اعتراف نامه بلژیک

کلیسای بین المللی انجیلی

لارناکا، قبرس

معرفی اعتراف نامه بلژیک

اعترافـنامهٔ بلژیک قدیمی‌ترین معیار تعلیمی کلیساهای اصلاح شدهٔ است. نام رایج آن از عنوان لاتینیِ قرن هفدهمیِ «اعترافـنامهٔ بلژیکا» گرفته شده است. «بلژیکا» به سرزمین‌های سفلی، یعنی سراسر هلندِ آن روزگار، در شمال و جنوب، اطلاق می‌شد؛ سرزمینی که امروزه به هلند و بلژیک تقسیم شده است. این اثر با نام‌های «اعترافـنامهٔ والون» و «اعترافـنامهٔ هلند» نیز شناخته می‌شود.

نویسندهٔ اصلی آن، گیدو دِ برِس (۱۵۶۷–۱۵۲۲)، شبانی پارسا و سیار با ایمان اصلاح‌شده بود که در سال ۱۵۶۷ در راه ایمان به شهادت رسید.

در قرن شانزدهم، کلیساهای اصلاح‌شدهٔ هلند به دست فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیا و متحد کلیسای کاتولیک رومی، به‌شدت آزار می‌دیدند. دِ برِس در سال ۱۵۶۱ این اعترافـنامه را به زبان فرانسوی برای دفاع از مؤمنانِ آزاردیدهٔ اصلاح‌شده، معروف به «کلیساهای زیر صلیب»، تهیه کرد. به احتمال زیاد شبانان همکارش نیز او را یاری کردند. مقصود آنان این بود که به آزاردهندگان نشان دهند پیروان ایمان اصلاح‌شده، برخلاف اتهامی که به آنان زده می‌شد، شورشی نیستند، بلکه شهروندانی قانونمندند که فقط به آموزه‌های کتاب مقدس اقرار می‌کنند. سال بعد، در ۱۵۶۲، نسخه‌ای از آن همراه با دادخواستی برای فیلیپ دوم فرستاده شد. آنان اعلام کردند که آماده‌اند در همهٔ امور مشروع از حکومت اطاعت کنند، اما ترجیح می‌دهند پشتشان را به تازیانه، زبانشان را به تیغ، دهانشان را به دهان‌بند و تمام بدنشان را به آتش بسپارند، تا حقیقتِ بیان‌شده در این اعترافـنامه را انکار کنند؛ زیرا می‌دانستند پیروان مسیح باید صلیب او را برگیرند و خویشتن را انکار کنند.

نه اعتراف نامه و نه دادخواست، نتیجهٔ مطلوبِ مدارا با پروتستان‌ها را نزد مقامات اسپانیایی به بار نیاورد. پنج سال بعد، دِ برِس نیز در شمار هزاران شهیدی قرار گرفت که ایمانشان را با خون خود مهر کردند. بااین‌حال، اثر او پایدار ماند و همچنان پایدار خواهد ماند. این اعترافـنامه تصنیفی مستقل بود، هرچند از اعترافـنامهٔ اصلاح‌شدهٔ فرانسویِ سال ۱۵۵۹، که خود بر طرح کالون تکیه داشت، الگو می‌گرفت. ترتیب تعلیمی آن عمدتاً چنین است: خدا در مواد ۱ تا ۱۱؛ انسان در مواد ۱۲ تا ۱۵؛ مسیح در مواد ۱۶ تا ۲۱؛ نجات در مواد ۲۲ تا ۲۶؛ کلیسا در مواد ۲۷ تا ۳۵؛ و امور آخر در مادهٔ ۳۷. مادهٔ ۳۶ به ماهیت حکومت مدنی در نسبت با حاکمیت خدا می‌پردازد. با وجود این ترتیب تعلیمی، تکرار ضمیر «ما» به متن لحنی شخصی و زنده می‌بخشد. پس از ترجمهٔ آن به هلندی در سال ۱۵۶۲، کلیساهای اصلاح‌شدهٔ هلند با اشتیاق آن را پذیرفتند. در سال ۱۵۶۶، شورای کلیسایی آنتورپ آن را بازنگری کرد و در سه دههٔ پایانی قرن شانزدهم، شوراهای ملی هلند آن را مکرراً پذیرفتند. پس از بازنگری دیگری، شورای دورْت در سال‌های ۱۶۱۹–۱۶۱۸ آن را از معیارهای تعلیمی کلیسا قرار داد که همهٔ صاحب‌منصبان کلیساهای اصلاح‌شده موظف به پذیرش آن بودند.

مقاله۱ : فقط یک خدا وجود دارد

ما قلباً باور داریم و با زبان اقرار می‌کنیم که تنها یک وجود بسیط[۱] و روحانی[۲] وجود دارد. ما او را خدا می‌خوانیم؛ به راستی که او جاودان است[۳] ، از درک ما فرا تر است[۴]، غیر قابل رویت[۵]، تغییر ناپذیر[۶]، لایتناهی[۷]، قادر مطلق و کاملا آگاه و خردمند[۸] عادل[۹]، نیکو، [۱۰] سرچشمه همه نیکی ها، تنها اوست.[۱۱]

۱ - افسسیان ۴: ۶؛ تثنیه ۶: ۴؛ اول تیموتائوس ۲: ۵؛ اول قرنتیان ۸: ۶

۲ - یوحنا ۴: ۲۴

۳ - اشعیا ۴۰: ۲۸

۴ - رومیان ۱۱: ۳۳

۵ - رومیان ۱: ۲۰

۶ - ملاکی ۳: ۶

۷ - اشعیا ۴۴: ۶

۸ - اول تیموتائوس ۱: ۱۷

۹ - ارمیا ۱۲: ۱

۱۰ - متی ۱۹: ۱۷

۱۱ - یعقوب ۱: ۱۷؛ اول تواریخ ۲۹: ۱۰-۱۲

مقاله ۲: ما خداوند را از چه راه‌هایی می‌شناسیم

ما خدا را به دو طریق می‌شناسیم: اول، از طریق آفرینش، نگهداری و تدبیر جهان هستی به دست او[۱]؛ که قطعا به شکل کتابی زیبا مقابل دیدگانمان است. کتابی که همهٔ مخلوقات، بزرگ و کوچک، همچون حروف آن‌اند و ما را راهنمایی می‌کنند تا در امور نادیدنیِ خدا، یعنی قدرت جاودان و الوهیت او، بیندیشیم. همان گونه که پولس رسول در رومیان ۲۰ :۱ می‌فرماید. همهٔ اینها برای قانع ساختن انسان‌ها و بی‌عذر گذاشتن آنان کافی است. دوم، او با کلام مقدس و الهی خویش، خود را روشن تر و کامل تر به ما می‌شناساند[۲]؛ یعنی تا آن اندازه که لازم است در این زندگی برای جلال او و نجات خود، او را بشناسیم.

۱ - مزامیر ۱۹: ۲؛ افسسیان ۴: ۶

۲ - مزامیر ۱۹: ۸؛ اول قرنتیان ۱۲: ۶

مقاله ۳: کلام مکتوب خدا

ما اقرار می‌کنیم که کلام خدا به اراده انسان فرستاده یا ابلاغ نشده است. بلکه همان گونه که پطرس رسول می‌فرماید[۱]، مردان مقدس خدا به هدایت روح‌القدس سخن گفتند. سپس خدا، به سبب توجه ویژه ای که به ما و نجات ما می‌دهد، به خادمان خود، پیامبران[۲] و به حواریون[۳] فرمان داد تا کلام مکشوف شده او را به نگارش درآورند؛ و خود نیز، با انگشت خویش دو لوح شریعت[۴] را نوشت. از همین رو، این نوشته ها را مقدس و الهی می‌نامیم.

۱ - دوم پطرس ۱: ۲۱
۲ - خروج ۲۴: ۴؛ مزامیر ۱۰۲: ۱۹؛ حبقوق ۲: ۲
۳ - دوم تیموتائوس ۳: ۱۶؛ مکاشفه ۱: ۱۱
۴ - خروج ۳۱: ۱۸

مقاله ۴: کتاب‌های قانونیِ کتاب مقدس

ما باور داریم که کتاب مقدس شامل دو بخش به نام های عهد قدیم و جدید می‌باشد. این کتاب ها قانونی هستند و با آنها هیچ نزاعی نمیتوان داشت . نام این کتاب‌ها در کلیسای خداوند چنین است: کتاب‌های عهد قدیم: پنج کتاب موسی به نام های پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه؛ کتاب های یوشع، داوران، روت، دو کتاب سموئیل، دو کتاب پادشاهان، دو کتاب تواریخ که به آنها پارالیپومنون هم می‌گویند، اول عزرا، نحمیا، استر، ایوب، مزامیر داوود، سه کتاب سلیمان به نام های امثال سلیمان، جامعه و غزل غزلها؛ چهار پیامبر اعظم اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال؛ و دوازده پیامبر کوچکتر به نام های هوشع، یوئل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صفنیا، حجّی، زکریا و ملاکی. کتاب های عهد جدید عبارت اند از: چهار انجیل به نام‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا؛ اعمال رسولان، چهارده نامه فرستاده شده توسط پولس، یکی به رومیان، دو نامه به قرنتیان، یکی به غلاطیان، یکی به افسسیان، یکی از نامه ها به فیلیپیان، یکی به کولسیان، دو تا به تسالونیکان، دو تا به تیموتائوس، یکی به تیتوس، یکی به فیلیمون، و یکی هم به عبرانیان؛ هفت رساله رسولان دیگر به نام های یعقوب، دو نامه پطرس، سه نامه یوحنا، یک نامه یهودا و مکاشفه یوحنای رسول.

مقاله ۵: کتاب مقدس شأن و اقتدار خود را از کجا می‌گیرد؟

ما همه این کتاب ها و تنها همین کتاب ها را مقدس و قانونی می‌دانیم، تا معیار، بنیاد و تأیید کننده ایمان ما باشند. یقیناً به تمام چیز های ذکر شده در آنها باور داریم، نه به این خاطر که کلیسا آنها را می‌پذیرد و تأیید می‌کند، بلکه بیش از همه به این دلیل که روح‌القدس در دل های ما شهادت می‌دهد که آنها از جانب خدا هستند. در واقع خودشان گواهی اثبات را در خود دارند. حتی نابینایان نیز می‌توانند دریابند که آنچه در این کتاب‌ها پیشگویی شده است، در حال تحقق است.

مقاله ۶: تفاوت بین کتاب های قانونی و کتاب های اپوکریفال

ما کتاب های مقدس را از کتاب های اپوکریفال متمایز می‌کنیم، این کتابها شامل، کتاب های سوم وچهارم عزرا، کتاب طوبیت، کتاب یهودیت، خرد، یشوع بن سیراخ، باروخ، ضمیمه کتاب استر، سرود سه جوان در کوره، تاریخ سوزانا، بل و اژدها، دعای منسی، و دو کتاب مکابیان است. کلیسا می‌تواند این کتاب ها را بخواند و از آنها تعلیم بگیرد، تا آنجا که با کتاب های قانونی کتاب مقدس سازگار باشند. این کتاب ها چنان اعتبار و قدرتی ندارند که بتوان با استناد بر آنها، هیچ یک از اصول ایمان یا دین مسیحی را اثبات کرد. به مراتب کمتر می‌توان با استناد بر آنها از اقتدار کتاب های مقدس کاست.

مقاله ۷:کفایت کتاب مقدس به عنوان یگانه معیار ایمان

ما ایمان داریم که کتاب مقدس به طور کامل خواست خدا را بیان می‌کند. هرآنچه که انسان برای نجات یافتن باید باور داشته باشد، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد[۱]. از آنجایی که طریق پرستشی که خداوند برای ما لازم می‌داند در کتاب مقدس نوشته شده است، برای همه، و حتی حواریون، آموزش دادن چیزی غیر از آن نامشروع است[۲]. همان طور که پولس رسول می فرماید[۳]: «اما حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد». زیرا افزودن چیزی به کلام خدا یا کاستن از آن ممنوع است[۴]؛ ازاین‌رو، آشکار است که تعالیم آن از هر جهت کامل و بی‌نقص است. ما نباید نوشته‌های بشر را، هرقدر هم که نویسندگانشان مقدس باشند، هم‌سطح و برابر با کتاب مقدس بدانیم[۵]. رسم و عادت، یا نظر اکثریت، قدمت، توالی زمان یا اشخاص، شوراها، فرمان ها یا مقررات را نباید با حقیقت خداوند[۶] برابر بدانیم، زیرا حقیقت برتر از هر چیز دیگری است؛ انسان ذاتاً دروغگو و بسیار باطل است [۷]. بنابراین، قلباً هرآنچه با این معیار خطا ناپذیر[۸] ناسازگار باشد، رد می‌کنیم. رسولان در این باره به ما می‌گویند، «روح ها را امتحان کنید تا بدانید از طرف خداوند هستند یا نه»[۹]. همچنین، «اگر کسی نزد شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه خود مپذیرید و خوشامدش مگویید[۱۰]؛»

۱ - رومیان ۱۵: ۴؛ یوحنا ۴: ۲۵؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۷؛ اول پطرس ۱: ۱؛ امثال سلیمان ۳۰: ۵؛ مکاشفه ۲۲: ۱۸؛ یوحنا ۱۵: ۱۵؛ اعمال رسولان ۲: ۲۷
۲ - اول پطرس ۴: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲-۳؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۴؛ اول تیموتائوس ۱: ۳؛ دوم یوحنا ۱۰
۳ - غلاطیان ۱: ۸-۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲؛ اعمال رسولان ۲۶: ۲۲؛ رومیان ۱۵: ۴؛ اول پطرس ۴: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۴

۴ - تثنیه ۱۲: ۳۲؛ امثال سلیمان ۳۰: ۶؛ مکاشفه ۲۲: ۱۸؛ یوحنا ۴: ۲۵
۵ - متی ۱۵: ۳؛ ۱۷: ۵؛ مرقس ۷: ۷؛ اشعیا ۱: ۱۲؛ اول قرنتیان ۲: ۴
۶ - اشعیا ۱: ۱۲؛ رومیان ۳: ۴؛ دوم تیموتائوس ۴: ۳-۴
۷ - مزامیر ۶۲: ۱۰
۸ - غلاطیان ۶: ۱۶؛ اول قرنتیان ۳: ۱۱؛ دوم تسالونیکان ۲: ۲
۹ - اول یوحنا ۴: ۱
۱۰ - دوم یوحنا ۱۰

مقاله ۸:خداوند در ماهیت یکیست، اما در سه شخص متمایز است

بر پایه این حقیقت و کلام خدا، ما به خدای یگانه ایمان داریم که دارای یک ذات واحد است[۱]، در این ذات، سه شخص وجود دارند [۲]. این سه شخص، بر اساس ویژگی های خاصی که به یکدیگر منتقل نمی‌شوند، به راستی و از ازل از یکدیگر متمایزند: پدر، پسر و روح‌القدس [۳]. پدر، علت و ریشه، و آغاز هر چیز عیان و پنهان از دیدگان ما است[۴]؛ پسر کلام[۵]، حکمت[۶] و صورت پدر است[۷]؛ روح‌القدس قدرت و توان جاودان است[۸] که از پدر و پسر صادر می‌شود[۹]. خداوند با وجود این تفاوت ها به سه شخص جدا از هم تقسیم نشده است. کتاب مقدس به ما می‌آموزد که پدر، پسر و روح‌القدس، هر یک شخصی متمایز با ویژگی های خاص خویش است، با این حال، این سه شخص تنها یک خدا هستند. به همین خاطر، این قابل درک است که پسر، پدر نیست و حتی پدر، پسر نیست و همچنین روح‌القدس نه پسر است و نه پدر. این اشخاص گرچه از یکدیگر متمایزند، اما نه از هم جدا هستند و نه با یکدیگر آمیخته اند؛ چنان که پدر و روح‌القدس نبودند که جسم گرفتند بلکه این پسر بود که جسم پوشید[۱۰]. پدر هیچ گاه بدون پسرش و یا بدون روح‌القدس نبوده است. زیرا هر سه ابدی و ازلی و هم ذات هستند. هیچ اولین و آخری وجود ندارد؛ به این دلیل که هر سه در حقیقت، در قدرت، در نیکی و رحمت یکی هستند.

۱ - اشعیا ۴۳: ۱۰
۲ - اول یوحنا ۵: ۷؛ عبرانیان ۱: ۳
۳ - متی ۲۸: ۱۹
۴ - اول قرنتیان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۶
۵ - یوحنا ۱: ۱،۲ ؛ مکاشفه ۱۹: ۱۳؛ امثال سلیمان ۸: ۱۲
۶ - امثال سلیمان ۸: ۱۲، ۲۲
۷ - کولسیان ۱: ۱۵؛ عبرانیان ۱: ۳
۸ - متی ۱۲: ۲۸
۹ - یوحنا ۱۵: ۲۶؛ غلاطیان ۴: ۶
۱۰ - فیلیپیان ۲: ۶، ۷؛ غلاطیان ۴: ۴؛ یوحنا ۱: ۱۴

مقاله ۹: اثبات یکی بودن خدا در سه شخص که در مقاله پیشین آمده است

ما همهٔ اینها را هم از شهادت‌های کتاب مقدس و هم از اعمال این سه شخص می‌شناسیم، به‌ویژه اعمالی که در خود تجربه می‌کنیم. شهادت هایی که کتاب مقدس با آنها می‌خواهد به ما بیاموزد تا به این تثلیث مقدس ایمان بیاوریم، بارها در جا های مختلف عهد قدیم تکرار شده است. لازم نیست همهٔ آنها را برشماریم؛ بلکه باید با سنجش و تشخیص، نمونه‌هایی را برگزینیم. در پیدایش ۲۷-۲۶ :۱ خداوند گفته است: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم...»[۱] پس خدا انسان را به صورت خود آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. و در پیدایش ۲۲ :۳: یهوه خدا می‌فرماید «اکنون آدم همچون یکی از ما شده است[۲]...».از این سخن که «انسان را شبیه صورت خود بسازیم» مشخص است که بیش از یک شخص در الوهیت وجود دارد؛ و زمانی که می‌گوید «خدا آفرید» او به یگانگی اشاره دارد. او بیان نکرده است که دقیقاً چند شخص وجود دارند، اما چیزی که تا حدی در عهد قدیم برای ما مبهم است در عهد جدید به سادگی آشکار است. زمانی که خداوند (عیسی مسیح) در رود اردن تعمید گرفت[۳]، صدای پدر شنیده شد که می‌گفت: «این است پسر محبوبم»: «پسر» (عیسی مسیح) در رودخانهٔ اردن تعمید گرفت و روح‌القدس به شکل کبوتری بر او ظاهر شد. این شیوه تعمید از جانب مسیح برای ایمانداران حکم شده است.«تمام ملیت ها را در نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید[۴]» در انجیل لوقا جبرائیل خطاب به مریم، مادر خداوند عیسی مسیح فرمود «روح‌القدس بر تو نازل خواهد شد، و قدرت خداوند بر تو سایه می‌افکند، از این رو شخص مقدسی که از تو زاده خواهد شد پسر خدا خوانده خواهد شد.»[۵] همچنین: «فیض خداوندمان عیسی مسیح، محبت خدا و مشارکت روح‌القدس با شما باشد.»[۶] «زیرا سه شخص در آسمان شهادت می‌دهند، پدر، کلام (عیسی مسیح) و روح‌القدس؛ و این سه یکی هستند.»[۷] در همهٔ این آیات، به‌روشنی تعلیم می‌یابیم که سه شخص در یک ذات الهی وجود دارند. و با این که این تعلیمات فرا تر از درک انسان است، اما با این حال اکنون به‌واسطهٔ کلام خدا به آن ایمان داریم و انتظار داریم که در آسمان از شناخت کامل و برکات آن بهره‌مند شویم[۸]. علاوه بر این، ما باید عملکرد ویژه هر کدام از این سه شخص نسبت به خودمان را در نظر بگیریم. پدر، با قدرتش آفریننده ما نامیده می‌شود[۹]؛ پسر نجات دهنده و با خونش رهایی بخش ما است[۱۰]؛ روح‌القدس با ساکن شدنش در قلبمان، تقدس دهنده ما است[۱۱]. کلیسای راستین از زمان رسولان تا امروز همواره از این تعلیمِ تثلیث مقدس در برابر یهودیان، مسلمانان و برخی مسیحیان

دروغین و بدعت‌گذاران دفاع کرده و آن را حفظ کرده است؛ از جمله در برابر افرادی چون مارسیون، مانس، پراکسئاس، سابلیوس، ساموساتنوس، آریوس، و همانند آنها که به درستی توسط پدران راست‌کیش محکوم شدند. از این رو ما مشتاقانه سه اعتقاد نامه به نام‌های اعتقادنامه رسولان، نیقیه، آتاناسیوس را می‌پذیریم، همچنین آنچه را پدران قدیم کلیسا، در سازگاری با این اعتقادنامه‌ها، بر آن توافق داشته‌اند می‌پذیریم.

۱ - پیدایش ۱: ۲۶، ۲۷
۲ - پیدایش ۳: ۲۲
۳ - متی ۳: ۱۶- ۱۷
۴ - متی ۲۸: ۱۹
۵ - لوقا ۱: ۳۵
۶ - دوم قرنتیان ۱۳: ۱۳
۷ - اول یوحنا ۵: ۷
۸ - مزامیر ۴۵: ۸؛ اشعیا ۶۱: ۱
۹ - جامعه ۱۲: ۳؛ ملاکی ۲: ۱۰؛ اول پطرس ۱: ۲
۱۰ - اول پطرس ۱: ۲؛ اول یوحنا ۱: ۷؛ ۴: ۱۴
۱۱ - اول قرنتیان ۶: ۱۱؛ اول پطرس ۱: ۲؛ غلاطیان ۴: ۶؛ تیتوس ۳: ۵؛ رومیان ۸: ۹؛ یوحنا ۱۴: ۱۶

مقاله ۱۰: عیسی مسیح خدای واقعی و جاودان است

با توجه به طبیعت الهی عیسی مسیح، ما باور داریم که او پسر یگانهٔ خداوند[۱] است، مولود ازلی[۲]، نه ساخته و نه آفریده‌شده؛ زیرا در آن صورت مخلوق می‌بود. بلکه با پدر هم‌ذات[۳] و هم‌ازلی است[۴]، «او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست[۵]» و در همه چیز با او برابر است[۶]. او پسر خداوند است، نه فقط از زمانی که طبیعت ما را به خود گرفت، بلکه از ازل تا به ابد[۷]. این حقیقت را با مقایسه این شهادت ها با یکدیگر درمی یابیم. موسی گفت که خداوند جهان را آفریده است[۸]؛ و یوحنا گفته است که «همه چیز از کلام پدید آمد» و او را خدا می‌خواند[۹]. و رسول می‌گوید که خدا به‌واسطهٔ پسرش جهان را خلق کرد[۱۰]؛ خدا همه چیز را به واسطه عیسی مسیح خلق کرد[۱۱]. ازاین‌رو، نتیجه آن است که او، که خدا، کلام، پسر و عیسی مسیح نامیده می‌شود، در زمانی که همه چیز با او آفریده می‌شد، وجود داشته است[۱۲]. به همین دلیل میکاه نبی می‌گوید: «ظهورهای او از قدیم و از ایام ازل بوده است[۱۳]». همچنین رسولی می‌گوید:«نه آغاز ایام دارد و نه پایان حیات»[۱۴]. پس او همان خدای حقیقی، جاودان و قادر مطلق است که ما به او دعا می‌کنیم و می‌پرستیم و خدمتگزارش هستیم.

۱ - یوحنا ۱: ۱۸، ۴۹
۲ - یوحنا ۱: ۱۴؛ کولسیان ۱: ۱۵
۳ - یوحنا ۱۰: ۳۰؛ فیلیپیان ۲: ۶
۴ - یوحنا ۱: ۲؛ ۱۷: ۵؛ مکاشفه ۱: ۸
۵ - عبرانیان ۱: ۳
۶ - فیلیپیان ۲: ۶
۷ - یوحنا ۸: ۲۳، ۵۸؛ ۹: ۳۵-۳۷؛ اعمال رسولان ۸: ۳۷؛ رومیان ۹: ۵
۸ - پیدایش ۱: ۱
۹ - یوحنا ۱: ۳
۱۰ - عبرانیان ۱: ۲
۱۱ - کولسیان ۱: ۱۶
۱۲ - کولسیان ۱: ۱۶
۱۳ - میکاه ۵: ۲
۱۴ - عبرانیان ۷: ۳

مقاله ۱۱: روح‌القدس خدای حقیقی و جاودان است

ما باور داریم و اقرار می‌کنیم که روح‌القدس از ازل از پدر[۱] و پسر[۲] صادر می‌شود؛ نه ساخته، نه آفریده و نه مولود است، بلکه از هر دو صادر می‌شود. او در ترتیب، شخص سوم تثلیث مقدس است و با پدر و پسر یک ذات، عظمت و جلال دارد؛ پس همان‌گونه که کتاب مقدس به ما می‌آموزد، خدای حقیقی و جاودان است[۳].

۱ - مزامیر ۳۳: ۶، ۱۷؛ یوحنا ۱۴: ۱۶
۲ - غلاطیان ۴: ۶؛ رومیان ۸: ۹؛ یوحنا ۱۵: ۲۶
۳ - پیدایش ۱: ۲؛ اشعیا ۴۸: ۱۶؛ ۶۱: ۱؛ اعمال رسولان ۵: ۳-۴؛ ۲۸: ۲۵؛ اول قرنتیان ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ مزامیر ۱۳۹: ۷

مقاله۱۲: آفرینش

ما باور داریم که پدر به‌واسطهٔ کلام، یعنی پسرش[۱]، آسمان و زمین و همهٔ مخلوقات را، چنان‌که پسند او بود، از هیچ آفرید؛ و به همه آنها هستی، شکل، حالت و وظایف گوناگون برای خدمت کردن به آفریننده داده است؛ همچنین او با مشیت جاودانه و قدرت لایتناهی اش[۲] همه چیز را برای خدمت به انسان[۳] نگه می‌دارد و اداره می‌کند، تا انسان دائماً به او خدمت کند[۴].همچنین او فرشتگان را خوب آفریده[۵] است تا پیام آورانش باشند[۶] و برگزیدگانش را خدمت کنند[۷]. برخی از آنها از جایگاهی که خداوند به آنها داده بود سقوط کردند، و به لعنتی ابدی دچار شده اند[۸]. دیگران به فیض خداوند[۹] استوار ماندند و حالت اولیهٔ خود را حفظ کردند. شیطان و روح های شریر به قدری فاسدند که از تمام توان خود[۱۰] برای دشمنی با خداوند و هر چه که نیکوست استفاده می‌کنند. و آنها قاتلانی هستند که در کمین ویران کردن کلیسا و یکایک اعضای آن هستند؛ و با تدابیر هولناک خود سعی در نابودی آن دارند[۱۱]؛ به سبب شرارت خود به محکومیت ابدی محکوم شده‌اند، و هر روز در انتظار زجری وحشتناک هستند [۱۲]. از این رو ما گمراهی صدوقیان که وجود روح و فرشتگان را انکار می‌کنند[۱۳]، و همچنین پیروان مانی که ادعا دارند شیاطین منشأ وجود خودشان هستند و ذاتا شرور هستند بدون اینکه فاسد شده باشند را رد می‌کنیم و از آنها دوری می‌کنیم.

۱ - پیدایش ۱: ۱؛ اشعیا ۴۰: ۲۶؛ عبرانیان ۳: ۴؛ مکاشفه ۴: ۱۱؛ اول قرنتیان ۸: ۶؛ یوحنا ۱: ۳؛ کولسیان ۱: ۱۶

۲ - عبرانیان ۱: ۳؛ مزامیر ۱۰۴: ۱۰؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۵

۳ - اول تیموتائوس ۴: ۳-۴؛ پیدایش ۱: ۲۹-۳۰؛ ۹: ۲-۳؛ مزامیر ۱۰۴: ۱۴-۱۵

۴ - اول قرنتیان ۳: ۲۲؛ ۶: ۲۰؛ متی ۴: ۱۰

۵ - کولسیان ۱: ۱۶

۶ - مزامیر ۱۰۳: ۲۰؛ ۳۴: ۸؛ ۱۴۸: ۲

۷ - عبرانیان ۱: ۱۴؛ مزامیر ۳۴: ۸

۸ - یوحنا ۸: ۴۴؛ دوم پطرس ۲: ۴؛ لوقا ۸: ۳۱؛ یهودا ۶

۹ - متی ۲۵: ۳۱

۱۰ - اول پطرس ۵: ۸؛ ایوب ۱: ۷

۱۱ - پیدایش ۳: ۱؛ متی ۱۳: ۲۵؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۱؛ ۱۱: ۳، ۱۴

۱۲ - متی ۲۵: ۴۱؛ لوقا ۸: ۳۰،۳۱

۱۳ - اعمال رسولان ۲۳: ۸

مقاله ۱۳: مشیت الهی

ما باور داریم خدایی که همه چیز را آفرید، پس از آفرینش، آنها را به دست شانس و اقبال رها نکرده است. بلکه خودش آنها را با اراده مقدس خودش [۱]، فرماندهی می‌کند، هیچ چیز در این دنیا بدون اراده او اتفاق نمی‌افتد[۲]. با این همه، خداوند علت گناهان و یا مسئول آنها نیست. قدرت و نیکویی او انقدر بزرگ و غیر قابل درک است، که او کارهای خود را به بهترین و عادلانه ترین شیوه تدبیر و اجرا می کند. حتی زمانی که شیطان و انسان فاسد، ظلم می‌کنند[۳]. دربارهٔ آنچه او انجام می‌دهد و از فهم انسان فراتر است، ما از سر کنجکاوی فراتر از گنجایشمان، پرس و جو نخواهیم کرد. بلکه با فروتنی و با احترام، داوری درست خداوند که از ما پنهان است[۴] را می‌ستاییم. و خودمان را شاگردان مسیح می‌دانیم و تنها چیزهایی که او با کلامش بر ما آشکار ساخته را می‌آموزیم. و محدودیت ها را نقض نمی‌کنیم. این تعالیم مایه تسلی وصف‌ناپذیر است، زیرا به ما یاد می‌دهد که هیچ چیزی به صورت شانس برای ما اتفاق نمی‌افتد، و در واقع از سوی پدر بخشنده و آسمانی است، که با توجهی پدرانه مواظب ماست، و او چنان تمام مخلوقات را تحت قدرت خود[۵] دارد که حتی تار مویی از سر ما، (زیرا همه آنها شمارش شده) و حتی گنجشکی نمی‌تواند بدون خواست پدر بر زمین بیفتد[۶]، ما به او کاملا اعتماد داریم؛ و می‌دانیم که او چنان شریر و دشمنان را مهار می‌کند که آنها بدون اجازه و خواست او نمی توانند آسیبی به ما برسانند. از این رو ما عقیده غلط و لعنت شده اپیکوریان که می‌گوید خداوند توجه به هیچ چیز ندارد و همه چیز تصادفی اتفاق می‌افتد را، رد می‌کنیم.

۱ - یوحنا ۵: ۱۷؛ عبرانیان ۱: ۳؛ امثال سلیمان ۱۶: ۴؛ مزامیر ۱۰۴: ۹، و ادامه دارد؛ مزامیر ۱۳۹: ۲، و ادامه دارد

۲ - یعقوب ۴: ۱۵؛ ایوب ۱: ۲۱؛ اول پادشاهان ۲۲: ۲۰؛ اعمال رسولان ۴: ۲۸؛ اول سموئیل ۲: ۲۵؛ مزامیر ۱۱۵: ۳؛ ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶؛ تثنیه ۱۹: ۵؛ امثال سلیمان ۲۱: ۱؛ مزامیر ۱۰۵: ۲۵؛ اشعیا ۱۰: ۵-۷؛ دوم تسالونیکان ۲: ۱۱؛ حزقیال ۱۴: ۹؛ رومیان ۱: ۲۸؛ پیدایش ۴۵: ۸؛ ۱: ۲۰؛ دوم سموئیل ۱۶: ۱۰؛ پیدایش ۲۷: ۲۰؛ مزامیر ۷۵: ۷-۸؛ اشعیا ۴۵: ۷؛ امثال سلیمان ۱۶: ۴؛ مراثی ارمیا ۳: ۳۷-۳۸؛ اول پادشاهان ۲۲: ۳۴، ۳۸؛ خروج ۲۱: ۱۳

۳ - متی ۸: ۳۱، ۳۲؛ یوحنا ۳: ۸

۴ - رومیان ۱۱: ۳۳-۳۴

۵ - متی ۸: ۳۱؛ ایوب ۱: ۱۲؛ ۲: ۶

۶ - متی ۱۰: ۲۹-۳۰

مقاله ۱۴: آفرینش انسان و سقوط او و ناتوانی او در انجام آنچه درست است

ما باور داریم که خداوند انسان را از خاک به وجود آورد، و او را شبیه و همانند خودش ساخت[۱]. نیکو، درستکار و مقدس، قادر به خواستن آنچه در همه‌چیز با ارادهٔ خدا سازگار است[۲]. انسان متوجه جایگاه ویژه و عالی خود[۳] نبود، و خودش را از عمد در معرض گناه قرار داد، و در نتیجه دچار مرگ و لعنت شد و به سخنان شیطان گوش سپرد[۴]. او از فرمان حیات که به او داده شده بود[۵] سرپیچی کرد؛ و با گناه، خودش را از خداوند جدا کرد[۶]؛ خدایی که زندگی حقیقی او بود، و با ایجاد فساد در طبیعتش[۷] دچار مرگ جسمانی و روحانی شد[۸]. به همین دلیل با فساد، انحراف و گمراهی در همه راه ها، انسان تمام هدایای عالی را که خداوند به او داده بود[۹]، از دست داد. و تنها مقدار کمی از آنها باقی ماند[۱۰]، که همان هم برای از بین بردن عذر و بهانه انسان کافیست[۱۱]؛ تمام نور درون ما به تاریکی تبدیل شده است[۱۲]، همان گونه که کتاب مقدس به ما می‌فرماید: این نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را در نیافت[۱۳]؛ جایی که یوحنای رسول انسان را تاریکی نامید. ما هر تعلیمی دربارهٔ ارادهٔ آزاد انسان را که با این حقیقت ناسازگار باشد، رد می‌کنیم؛ زیرا انسان بردهٔ گناه است[۱۴] و چیزی از خود ندارد مگر این که از طرف بهشت به او داده شده باشد[۱۵]. چه کسی می‌تواند به خود ببالد که به‌خودی‌خود کار نیکویی انجام می‌دهد، درحالی‌که مسیح می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند»؟[۱۶] وقتی می‌داند اندیشهٔ نفسانی دشمنی با خداست، [۱۷] چطور به اراده خود می‌بالد؟ چه کسی می‌تواند از دانایی خود تعریف کند، زمانی که انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد[۱۸]؟ به طور خلاصه، چه کسی شهامت دارد هرگونه طرز تفکری را پیش بکشد، زمانی که می‌داند از خود کفایت نداریم که چیزی را از خود بدانیم، بلکه کفایت ما از خداست[۱۹]؟ ازاین‌رو، باید سخن رسول را استوار و یقینی بدانیم که خدا خواستن و عمل کردن را مطابق خشنودی خود در ما پدید می‌آورد[۲۰]. هیچ اراده و فهمی موافق اراده و فهم الهی نیست، مگر آنچه مسیح در انسان پدید آورده باشد؛ چنان‌که خود می‌آموزد: «بدون من هیچ نمی‌توانید کرد.»[۲۱]

۱ - پیدایش ۱: ۲۶؛ جامعه ۷: ۲۹؛ افسسیان ۴: ۲۴
۲ - پیدایش ۱: ۳۱؛ افسسیان ۴: ۲۴
۳ - مزامیر ۴۹: ۲۱؛ اشعیا ۵۹: ۲
۴ - پیدایش ۳: ۶، ۱۷
۵ - پیدایش ۱: ۳، ۷
۶ - اشعیا ۵۹: ۲
۷ - افسسیان ۴: ۱۸
۸ - رومیان ۵: ۱۲؛ پیدایش ۲: ۱۷؛ ۳: ۱۹
۹ - رومیان ۳: ۱۰
۱۰ - اعمال رسولان ۱۴: ۱۶-۱۷؛ ۱۷: ۲۷
۱۱ - رومیان ۱: ۲۰، ۲۱؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۷
۱۲ - افسسیان ۵: ۸؛ متی ۶: ۲۳
۱۳ - یوحنا ۱: ۵
۱۴ - اشعیا ۲۶: ۱۲؛ مزامیر ۹۴: ۱۱؛ یوحنا ۸: ۳۴؛ رومیان ۶: ۱۷؛ ۷: ۵، ۱۷
۱۵ - یوحنا ۳: ۲۷؛ اشعیا ۲۶: ۱۲
۱۶ - یوحنا ۳: ۲۷؛ ۶: ۴۴، ۶۵
۱۷ - رومیان ۸: ۷
۱۸ - اول قرنتیان ۲: ۱۴؛ مزامیر ۹۴: ۱۱
۱۹ - دوم قرنتیان ۳: ۵
۲۰ - فیلیپیان ۲: ۱۳
۲۱ - یوحنا ۱۵: ۵

مقاله ۱۵: گناه اصلی

ما باور داریم که از طریق نافرمانی آدم، گناه نخستین به همهٔ انسان‌ها سرایت کرده است[۱]؛ این گناه، فساد تمام طبیعت انسان است. نوعی تباهی عمیق و مرضی موروثی، که حتی کودکان در رحم مادر به آن مبتلا هستند[۲]. این فساد، همچون ریشه‌ای در انسان، انواع گناهان را پدید می‌آورد[۳]. به همین دلیل، این گناه در نظر خداوند به قدری ناپسند و زشت هست که برای محکوم کردن همهٔ انسان‌ها کافی است[۴]. این فساد به‌هیچ‌وجه با تعمید از میان نمی‌رود و برطرف نمی‌شود؛ زیرا که گناه از منشأ ناگوار خود، همانند آب که از چشمه سر می‌گیرد، آغاز می‌شود. با این همه، این گناه برای محکومیت به حساب فرزندان خدا گذاشته نمی‌شود، بلکه به فیض و رحمت او بخشوده می‌شود. آنها نباید در گناهان خود باقی بمانند، بلکه پی بردن به این فساد باید علتی شود که ایمانداران افسوس بخورند و مشتاق شوند تا از این جسم مرگ نجات یابند[۵]. از این رو ما ادعای پیروان پلاجیوس را که می‌گویند گناه فقط از راه تقلید پدید می‌آید، رد می‌کنیم.

۱ - رومیان ۵: ۱۲،۱۳ ؛ مزامیر ۵۱: ۷؛ رومیان ۳: ۱۰؛ پیدایش ۶: ۳؛ یوحنا ۳: ۶؛ ایوب ۱۴: ۴

۲ - اشعیا ۴۸: ۸؛ رومیان ۵: ۱۴
۳ - غلاطیان ۵: ۱۹؛ رومیان ۷: ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۷-۱۸، ۲۰، ۲۳
۴ - افسسیان ۲: ۳، ۵
۵ - رومیان ۷: ۱۸، ۲۴

مقاله ۱۶: انتخاب جاودان

ما باور داریم که همهٔ فرزندان آدم، بر اثر گناه نخستین والدین ما، گرفتار هلاکت و تباهی شدند؛ آنگاه خداوند خود را آشکار کرده و همان گونه که هست، خود را رحیم و عادل[۱] معرفی کرد: بخشنده زیرا او با تدبیری ابدی و غیر قابل تغییر و صرفاً از روی نیکویی خود، همهٔ کسانی را که در خداوندمان عیسی مسیح برگزیده است، بدون توجه به اعمالشان[۲] از این تباهی حفظ کرده و نجات می‌دهد. عادل: زیرا دیگران را در همان سقوط و هلاکتی که خود را گرفتار آن کرده‌اند، باقی می‌گذارد.[۳]

۱ - رومیان ۹: ۱۸، ۲۲-۲۳؛ ۳: ۱۲
۲ - رومیان ۹: ۱۵-۱۶؛ ۱۱: ۳۲؛ افسسیان ۲: ۸-۱۰؛ مزامیر ۱۰۰: ۳؛ اول یوحنا ۴: ۱۰؛ تثنیه ۳۲: ۸؛ اول سموئیل ۱۲: ۲۲؛ مزامیر ۱۱۵: ۵؛ ملاکی ۱: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ رومیان ۸: ۲۹؛ ۹: ۱۱، ۲۱؛ ۱۱: ۵-۶؛ افسسیان ۱: ۴؛ تیتوس ۳: ۴-۵؛ اعمال رسولان ۲: ۴۷؛ ۱۳: ۴۸؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۹-۲۰؛ اول پطرس ۱: ۲؛ یوحنا ۶: ۲۷؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۷: ۹
۳ - رومیان ۹: ۱۷، ۱۸؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۰

مقاله ۱۷: ترمیم انسانی که سقوط کرده

ما باور داریم که خداوند بخشنده ما، با حکمت و نیکی ستودنی اش، دید که انسان بدین گونه خود را اسیر مرگ جسمانی و روحانی کرده، و خودش را یکسره درمانده ساخته است. خداوند با خرسندی خواست که او را جست‌وجو کند و تسلی بدهد. هنگامی که انسان لرزان[۱] از حضور خدا می‌گریخت، او به انسان قول داد که پسرش را خواهد داد، که از یک زن متولد خواهد شد، و سر مار را خواهد کوبید، و انسان را سعادتمند خواهد کرد[۲].

۱ - پیدایش ۳: ۸-۹، ۱۹؛ اشعیا ۶۵: ۱-۲
۲ - عبرانیان ۲: ۱۴؛ پیدایش ۲۲: ۱۸؛ اشعیا ۷: ۱۴؛ یوحنا ۷: ۴۲؛ دوم تیموتائوس ۲: ۸؛ عبرانیان ۷: ۱۴؛ پیدایش ۳: ۱۵؛ غلاطیان ۴: ۴

مقاله ۱۸: مجسم شدن عیسی مسیح

ما اعتراف می‌کنیم که خداوند وعده‌ای را که به پدران ما از زبان پیامبران مقدس[۱] داده بود، زمانی به عمل رساند، که پسر یگانه و جاودان خود را در زمان تعیین شده به جهان فرستاد؛ پسری که صورت خدمتگزار به خود گرفت، و شبیه انسان شد، [۲] او حقیقتاً دارای طبیعت انسانی، حتی با تمام ناتوانی های مربوط به آن، اما مستثنا از گناه بود[۳]؛ و او بدون دخالت مردی[۴]، با قدرت روح‌القدس در رحم مریم باکره‌ای که برکت دریافت کرده بود، شکل گرفت؛ او برای آنکه انسانی حقیقی باشد، نه‌تنها جسم انسانی، بلکه جان حقیقی انسانی را نیز به خود گرفت[۵]. زیرا جان نیز همچون بدن در هلاکت گرفتار شده بود، او برای نجات دادنشان باید هر دو را به خود می‌گرفت. بنابر این ما اعتراف می‌کنیم که (در مخالفت با بدعت آناباپتیست‌ها که گرفتن جسم انسانیِ مسیح از مادرش را انکار می‌کنند) مسیح در گوشت و خون فرزندان انسان شریک شد[۶]؛ و او ثمره‌ای از صلب داوود در جسم است[۷]؛ به صورت جسمانی از نسل داوود هست[۸]؛ و ثمری از بطن مریم باکره[۹]؛ زاده شده از زن[۱۰]؛ شاخه‌ای از داوود[۱۱]، نهالی از ریشه یَسا[۱۲]؛ از نسل قبیله یهودا[۱۳]؛ از نظر جسمانی از نسل یهودیان[۱۴]؛ از نسل ابراهیم، زیرا او نسل ابراهیم را به خود گرفت[۱۵]، او در همه چیز به غیر از گناه شبیه برادرانش شد[۱۶]؛ پس این حقیقت دارد که او عمانوئیل ما است، بدین معنا که خدا با ماست[۱۷].

۱ - اشعیا ۱۱: ۱؛ لوقا ۱: ۵۵؛ پیدایش ۲۶: ۴؛ دوم سموئیل ۷: ۱۲؛ مزامیر ۱۳۲: ۱۱؛ اعمال رسولان ۱۳: ۲۳
۲ - اول تیموتائوس ۲: ۵؛ ۳: ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۷
۳ - عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵؛ ۴: ۱۵
۴ - لوقا ۱: ۳۱، ۳۴-۳۵
۵ - متی ۲۶: ۳۸؛ یوحنا ۱۲: ۲۷
۶ - عبرانیان ۲: ۱۴
۷ - اعمال رسولان ۲: ۳۰
۸ - مزامیر ۱۳۲: ۱۱؛ رومیان ۱: ۳
۹ - لوقا ۱: ۴۲
۱۰ - غلاطیان ۴: ۴
۱۱ - ارمیا ۳۳: ۱۵

۱۲ - اشعیا ۱۱: ۱
۱۳ - عبرانیان ۷: ۱۴
۱۴ - رومیان ۹: ۵
۱۵ - پیدایش ۲۲: ۱۸؛ دوم سموئل ۷: ۱۲؛ متی ۱: ۱؛ غلاطیان ۳: ۱۶
۱۶ - عبرانیان ۲: ۱۵-۱۷
۱۷ - اشعیا ۷: ۱۴؛ متی ۱: ۲۳

مقاله ۱۹: اتحاد و تفاوت دو طبیعت در شخص مسیح

ما باور داریم که با این انعقاد نطفه، شخص پسر به طور جدا ناشدنی، متحد و متصل به طبیعت انسانی است. بنابراین خدا دو پسر ندارد و یا دو شخص وجود ندارد. بلکه در واقع دو طبیعت متحد در یک شخص هستند. با این حال هر یک از دو طبیعت، ویژگی‌های متمایز خود را حفظ کرده است. همانگونه که طبیعت الهی غیر مخلوق است، بدون آغاز و پایان زندگی[۱] و در بر گیرنده آسمان و زمین است. پس طبیعت انسانی هم، خواص خود را از دست نداده و همواره یک مخلوق باقی مانده که آغاز دارد، محدود است و تمامی ویژگی های جسمانی خود را دارد[۲]. با اینکه مسیح با رستاخیز خود به طبیعت انسانی اش نامیرایی و جاودانگی داده است، اما با این حال تغییری در واقعیت آن ایجاد نکرده است، زیرا که نجات و رستاخیز ما به حقیقت بدن او وابسته است. اما این دو طبیعت چنان نزدیک به هم و متحد هستند که حتی مرگ او نیز آنها را از هم جدا نکرد. در نتیجه هنگام مرگ آنچه به دستان پدرش می‌سپرد، روح واقعی انسان بود که از بدنش خارج می‌شد[۳]. با این حال زمانی که در آرامگاه قرار گرفت، طبیعت الهی‌اش با طبیعت انسانی متحد باقی ماند؛ و الوهیت در او از میان نرفت. همان‌گونه که در کودکی نیز الوهیت در او بود، هرچند برای مدتی خود را به آن روشنی آشکار نمی‌کرد. از این رو ما اقرار می‌کنیم که او خدای حقیقی و انسان حقیقی است. حقیقتاً خدا: به سبب قدرتش در غلبه بر مرگ و حقیقتاً انسان: تا بتواند بر حسب ضعف جسمانی خود، برای ما بمیرد.

۱ - عبرانیان ۷: ۳
۲ - اول قرنتیان ۱۵: ۱۳، ۲۱؛ فیلیپیان ۳: ۲۱؛ متی ۲۶: ۱۱؛ اعمال رسولان ۱: ۲، ۱۱؛ ۳: ۲۱؛ لوقا ۲۴: ۳۹؛ یوحنا ۲۰: ۲۵، ۲۷
۳ - لوقا ۲۳: ۴۶؛ متی ۲۷: ۵۰

مقاله ۲۰ : خداوند عدالت و رحمت خود را توسط مسیح آشکار کرد

ما باور داریم خداوند که کاملاً رحیم و عادل است، پسر خود را فرستاد تا همان طبیعتی را به خود بگیرد که نافرمانی در آن رخ داده بود؛ تا در همان طبیعت، حق عدالت را به‌تمامی ادا کند و با رنج و مرگ بسیار تلخ خود، مجازات گناه را بر دوش بکشد[۱]. بنابراین، خداوند هنگامی که گناهان ما را بر پسرش نهاد، عدالت خود بر او اعمال کرد[۲] و رحمت و نیکویی خود را بر ما جاری ساخت؛ ما که گناهکار و سزاوار محکومیت بودیم. او صرفاً از روی محبتی کامل، پسرش را برای ما به مرگ سپرد و برای عادل‌شمردگی ما برخیزانید[۳]، تا به‌واسطهٔ او نامیرایی و حیات جاودان بیابیم.

۱ - عبرانیان ۲: ۱۴؛ رومیان ۸: ۳، ۳۲-۳۳
۲ - اشعیا ۵۳: ۶؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ اول یوحنا ۴: ۹
۳ - رومیان ۴: ۲۵

مقاله ۲۱: کفارهٔ کامل مسیح، یگانه کاهن اعظم ما

ما باور داریم که عیسی مسیح با سوگند مقرر شده است تا به رتبهٔ ملکیصدق، کاهن اعظم جاودانی باشد[۱]. او خود را برای ما در حضور پدر عرضه کرد تا با ادای کامل حق عدالت، خشم او را فرو نشاند[۲]؛ خود را بر چوب صلیب قربانی کرد و خون گران‌بهایش را برای پاک کردن گناهان ما ریخت، همان‌گونه که پیامبران پیشگویی کرده بودند. به همین دلیل نوشته شده است که: او برای خطا های ما مجروح شد، به خاطر شرارت ما آسیب دید: تأدیبی که صلح ما را فراهم آورد بر او قرار گرفت، و همچنین ما با زخم های او شفا می‌یابیم. او را همچون بره‌ای برای کشته شدن آوردند، و با خطاکاران شمردند[۳]؛ با این که پنطیوس پیلاطس او را پیش‌تر بی‌گناه اعلام کرده بود، مسیح به دست پنطیوس پیلاطس همچون مجرمی محکوم شد[۴]. در نتیجه آنچه را خود نگرفته بود، بازپس داد[۵]. و او که خود عادل بود برای ناعادلان رنج کشید[۶]. او در جسم و جان خود، مجازات هولناکی را که گناهان ما سزاوار آن بود تحمل کرد؛ چنان‌که عرقش مانند قطرات خون بر زمین می‌چکید[۷]. عیسی مسیح فریاد زد: «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟»[۸] او تمام این عذاب را کشید تا گناهان ما بخشیده شود.

بنابراین، ما متفق با پولس رسول می‌گوییم: هیچ چیز به غیر از عیسی مسیح و مصلوب شدنش[۹] نمیدانیم؛ ما همه‌چیز را در برابر ارزش برتر شناخت خداوندمان عیسی مسیح، ضرر و زیان می‌شماریم[۱۰] و در زخم‌های او هرگونه تسلی می‌یابیم. احتیاجی به جست وجو یا ابداع کردن راه‌های دیگری برای آشتی با خداوند نیست، زیرا همین قربانی یگانه، یک‌بار تقدیم شده و به‌واسطهٔ آن، ایمانداران برای همیشه کامل می‌شوند[۱۱]. به همین دلیل است که او توسط فرشته خدا، عیسی خوانده شد، که به معنای نجات دهنده است، زیرا که او مردمانش را از گناهان نجات می‌دهد[۱۲].

۱ - مزامیر ۱۱۰: ۴؛ عبرانیان ۵: ۱۰

۲ - کولسیان ۱: ۱۴؛ رومیان ۵: ۸-۹؛ کولسیان ۲: ۱۴؛ عبرانیان ۲: ۱۷؛ ۹: ۱۴؛ رومیان ۳: ۲۴؛ ۸: ۲؛ یوحنا ۱۵: ۳؛ اعمال رسولان ۲: ۲۴؛ ۱۳: ۲۸؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۶

۳ - اشعیا ۵۳: ۵، ۷، ۱۲

۴ - لوقا ۲۳: ۲۲، ۲۴؛ اعمال رسولان ۱۳: ۲۸؛ مزامیر ۲۲: ۱۶؛ یوحنا ۱۸: ۳۸؛ مزامیر ۶۹: ۵؛ اول پطرس ۳: ۱۸

۵ - مزامیر ۶۹: ۵

۶ - اول پطرس ۳: ۱۸

۷ - لوقا ۲۲: ۴۴

۸ - مزامیر ۲۲: ۲؛ متی ۲۷: ۴۶

۹ - اول قرنتیان ۲: ۲

۱۰ - فیلیپیان ۳: ۸

۱۱ - عبرانیان ۹: ۲۵-۲۶؛ ۱۰: ۱۴

۱۲ - متی ۱: ۲۱؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲

مقاله ۲۲: عادل‌شمردگی ما به‌واسطهٔ ایمان به عیسی مسیح

ما باور داریم که برای دستیابی به شناخت حقیقیِ این راز عظیم، روح‌القدس ایمانی راستین در دل ما برمی‌افروزد؛ ایمانی که عیسی مسیح را با همهٔ شایستگی‌هایش می‌پذیرد و از آنِ خود می‌سازد[۱] و افزون بر او نمی‌جوید[۲]. باید یکی از این دو را پذیرفت: یا همهٔ آنچه برای نجات ما لازم است در عیسی مسیح نیست، یا اگر همه چیز در اوست، کسانی که به واسطهٔ ایمان از مسیح برخوردارند، در او نجات کامل دارند[۳]. بنابراین آنهایی که ادعا دارند که عیسی مسیح نیمه نجات دهنده است، و به چیزی بیشتر از او احتیاج است، چنین ادعایی کفرگوییِ فاحشی است. زیرا که ادعا دارند مسیح نجات دهنده کاملی نیست. پس عادلانه، همان گونه که پولس رسول هم می‌گوید، ما تنها به‌واسطهٔ ایمان، یعنی ایمان بدون اعمال، عادل شمرده می‌شویم[۴]. به بیان واضح تر منظور ما این نیست که ایمان به خودی خود ما را عادل می شمارد , زیرا ایمان تنها ابزاری است که با ان مسیح را به عنوان پارسایی خود میپذیریم اما عیسی مسیح , که تمام شایستگی های خود و بسیاری از کارهای مقدسی را که برای ما و به جای ما انجام داده است به ما نسبت می دهد , پارسایی ماست.[۵] همچنین ایمان وسیله ایست که ما را در مسیح و برکات او سهیم نگه می‌دارد، برکاتی که وقتی از آنِ ما می‌شوند، برای تبرئهٔ ما از گناهانمان بیش از اندازه کافی‌اند.

۱ - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷؛ مزامیر ۵۱: ۱۳؛ افسسیان ۱: ۱۷-۱۸؛ اول قرنتیان ۲: ۱۲

۲ - اول قرنتیان ۲: ۲؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲؛ غلاطیان ۲: ۲۱؛ ارمیا ۲۳: ۶؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰؛ ارمیا ۳۱: ۱۰

۳ - متی ۱: ۲۱؛ رومیان ۳: ۲۷؛ ۸: ۱، ۳۳

۴ - رومیان ۳: ۲۷؛ غلاطیان ۲: ۶؛ اول پطرس ۱: ۴-۵؛ رومیان ۱۰: ۴

۵ - ارمیا ۲۳: ۶؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰؛ دوم تیموتائوس ۱: ۲؛ لوقا ۱: ۷۷؛ رومیان ۳: ۲۴-۲۵؛ ۴: ۵؛ مزامیر ۳۲: ۱-۲؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ تیتوس ۳: ۵؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹

مقاله ۲۳: عادل‌شمردگی ما در پیشگاه خداوند در چیست؟

ما باور داریم که نجات ما در آمرزش گناهانمان و به خاطر عیسی مسیح است، عادل‌شمردگی ما در پیشگاه خدا نیز در همین امر نهفته است؛ داوود و پولس به انسان می‌آموزند که خوشبختی او بر این است که خدا بدون اعمال او را عادل می‌شمارد[۱]. و همچنین همان رسول می‌گوید، به واسطه فیض او به‌رایگان عادل شمرده شده‌ایم، از طریق رهایی که در عیسی مسیح وجود دارد[۲]. و در نتیجه ما همیشه به این اساس پایبند می‌مانیم، و تمام جلال را به خداوند نسبت می‌دهیم[۳]. خود را در برابر او فروتن می‌سازیم، و همان گونه که واقعا هستیم به حال خود اقرار می‌کنیم، که مبادا خودسرانه به چیزی در خود، و یا به محسناتمان اعتماد کنیم[۴]. بلکه تنها بر اطاعتِ مسیح مصلوب تکیه کنیم[۵]؛ اطاعتی که با ایمان به او از آنِ ما می‌شود[۶]. همین برای پوشاندن شرارت ما و دریافت اطمینان برای نزدیک شدن به خداوند کافیست[۷]؛ وجدان ما را از ترس، وحشت و دلواپسی آزاد می‌کند؛ بی‌آنکه از نمونهٔ نخستین پدرمان آدم پیروی کنیم که لرزان می‌کوشید خود را با برگ‌های انجیر بپوشاند[۸]. اگر قرار بود که با کمترین تکیه بر خود یا هر مخلوق دیگری در برابر خداوند حاضر شویم، افسوس! زیرا نابودی بود و بس[۹]. از این رو همه ی ما باید همانند داوود دعا کنیم: «خداوندا، بر خدمتگزار خود به داوری برمیا، زیرا هیچ زنده‌ای در پیشگاه تو پارسا نیست»[۱۰].

۱ - لوقا ۱: ۷۷؛ کولسیان ۱: ۱۴؛ مزامیر ۳۲: ۱-۲؛ رومیان ۴: ۶-۷

۲ - رومیان ۳: ۲۳-۲۴؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲

۳ - مزامیر ۱۱۵: ۱؛ اول قرنتیان ۴: ۷؛ رومیان ۴: ۲

۴ - اول قرنتیان ۴: ۷؛ رومیان ۴: ۲؛ اول قرنتیان ۱: ۲۹، ۳۱

۵ - رومیان ۵: ۱۹

۶ - عبرانیان ۱۱: ۶-۷؛ افسسیان ۲: ۸؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۹؛ اول تیموتائوس ۲: ۶
۷ - رومیان ۵: ۱؛ افسسیان ۳: ۱۲؛ اول یوحنا ۲: ۱
۸ - پیدایش ۳: ۷
۹ - اشعیا ۳۳: ۱۴؛ تثنیه ۲۷: ۲۶؛ یعقوب ۲: ۱۰
۱۰ - مزامیر ۱۳۰: ۳؛ متی ۱۸: ۲۳-۲۶؛ مزامیر ۱۴۳: ۲؛ لوقا ۱۶: ۱۵

مقاله ۲۴: تقدس انسان و کارهای نیکو او

ما باور داریم که ایمان واقعی، از طریق شنیدن کلام خدا و کار روح‌القدس در انسان شکل می‌گیرد[۱]، او را احیاء کرده و انسانی جدید می‌سازد. به همین دلیل زندگی جدید شروع می‌شود[۲] و انسان از اسارت گناه آزاد می‌شود[۳]. این ایمانِ عادل‌شمارنده، انسان را در زندگی خداپسندانه و مقدس سست نمی‌کند[۴]. بالعکس بدون این ایمان، انسان هیچ کاری از محبت به خدا انجام نخواهد داد، بلکه فقط از روی خودپرستی یا ترس از محکومیت عمل خواهد کرد. از این رو غیر ممکن است که این ایمان مقدس بتواند در انسان بی ثمر باشد؛ زیرا که ما از ایمانی بیهوده سخن نمی‌گوییم[۵]، بلکه از ایمانی سخن می‌گوییم که، به گفتهٔ کتاب مقدس، به‌واسطهٔ محبت عمل می‌کند[۶]، همانی که انسان را بر می‌انگیزد تا به کارهایی که خداوند با کلامش به آنها حکم کرده است عمل کند. چون این اعمال از ریشه ایمانی نیکو به عمل می‌آیند، از دید خداوند خوب و پذیرفتنی‌اند زیرا که با فیض او منزه شده اند؛ بااین‌حال، این اعمال در عادل‌شمردگی ما نقشی ندارند[۷]. به‌واسطهٔ ایمان به مسیح است که عادل شمرده می‌شویم، حتی پیش از آن که کارهای خوب انجام دهیم[۸]؛ در غیر این صورت، این اعمال نمی‌توانستند نیکو باشند، چون قبل از این که میوه درخت خوب باشد خود درخت خوب است[۹]. پس ما کار نیکو می‌کنیم، اما نه برای کسب شایستگی (بابت چه چیزی می‌توانیم شایسته باشیم؟)- خیر، ما برای کار های خوبی که انجام می‌دهیم، مدیون خداوند هستیم، او مدیون ما نیست[۱۰]. زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می‌سازد، در شما پدید می‌آورد[۱۱]. بیایید به چیزی که نوشته شده است توجه کنیم: پس شما نیز چون آنچه به شما فرمان داده شده است، به جای آوردید، بگویید: «خادمانی بی‌فایده‌ایم؛ تنها وظیفهٔ خود را انجام داده‌ایم.»[۱۲]

نمیگوییم که خداوند اجر کارهای نیک ما را نمیدهد، اما این به خاطر فیض اوست که به عطایای خود در ما پاداش می‌دهد[۱۳]. علاوه بر این، با این که ما کار خوب انجام می‌دهیم اما نجات خود را بر آنها بنا نمی‌کنیم[۱۴]؛ زیرا کاری نیست که ما انجام دهیم و آلوده جسم و سزاوار مجازات نباشد[۱۵]؛ حتی اگر می‌توانستیم چنین اعمال پاکی به جا آوریم، باز هم یادآوری یک گناه کافیست تا خداوند همه آنها را رد کند. پس اگر بر شایستگی رنج و مرگ نجات‌دهنده تکیه نمی‌کردیم، همواره در تردید و بی‌اطمینانی سرگردان می‌ماندیم و وجدان بی‌نوای ما پیوسته در عذاب می‌بود[۱۶].

۱ - اول پطرس ۱: ۲۳؛ رومیان ۱۰: ۱۷؛ یوحنا ۵: ۲۴
۲ - اول تسالونیکیان ۱: ۵؛ رومیان ۸: ۱۵؛ یوحنا ۶: ۲۹؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ فیلیپیان ۱: ۱، ۲۹؛ افسسیان ۲: ۸
۳ - اعمال رسولان ۱۵: ۹؛ رومیان ۶: ۴، ۲۲؛ تیتوس ۲: ۱۲؛ یوحنا ۸: ۳۶
۴ - تیتوس ۲: ۱۲
۵ - تیتوس ۳: ۸؛ یوحنا ۱۵: ۵؛ عبرانیان ۱۱: ۶؛ اول تیموتائوس ۱: ۵
۶ - اول تیموتائوس ۱: ۵؛ غلاطیان ۵: ۶؛ تیتوس ۳: ۸
۷ - دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ رومیان ۹: ۳۲؛ تیتوس ۳: ۵
۸ - رومیان ۴: ۴؛ پیدایش ۴: ۴
۹ - عبرانیان ۱۱: ۶؛ رومیان ۱۴: ۲۳؛ پیدایش ۴: ۴؛ متی ۷: ۱۷
۱۰ - اول قرنتیان ۴: ۷؛ اشعیا ۲۶: ۱۲؛ غلاطیان ۳: ۵؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳
۱۱ - فیلیپیان ۲: ۱۳
۱۲ - لوقا ۱۷: ۱۰
۱۳ - متی ۱۰: ۴۲؛ ۲۵: ۳۴-۳۵؛ مکاشفه ۳: ۱۲، ۲۱؛ رومیان ۲: ۶؛ مکاشفه ۲: ۱۱؛ دوم یوحنا ۸؛ رومیان ۱۱: ۶
۱۴ - افسسیان ۲: ۹-۱۰
۱۵ - اشعیا ۶۴: ۶
۱۶ - اشعیا ۲۸: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۱۱؛ حَبَقوق ۲: ۴

مقاله ۲۵: پایان یافتن شریعت آیینی

ما باور داریم که با آمدن عیسی مسیح آیین‌ها و نمادهای شریعت پایان یافته است[۱]. همهٔ سایه‌ها تحقق یافته‌اند، پس از این رو استفاده از آنها در میان مسیحیان باید لغو شود[۲]؛ با این حال حقیقت و ذات آنها با ما در عیسی مسیح باقی می‌ماند. در همان شخصی که در او این اعمال تکمیل میشوند. در این میان، ما از شهادت های برگرفته از شریعت و پیامبران استفاده می‌کنیم، تا ما را در تعلیم انجیل استوار سازند[۳]، تا تمام زندگی ما در درستی و برای جلال خداوند و مطابق با خواست او شکل گیرد.

۱ - رومیان ۱۰: ۴

۲ - غلاطیان ۵: ۲-۴؛ ۳: ۱؛ ۴: ۱۰-۱۱؛ کولسیان ۲: ۱۶-۱۷
۳ - دوم پطرس ۱: ۱۹

مقاله ۲۶: شفاعت مسیح

ما باور داریم که هیچ گونه دسترسی به خداوند نداریم مگر از طریق یگانه میانجی و شفیع، یعنی عیسی مسیح که عادل است[۱]؛ او انسان شد، طبیعت انسانی و الهی را در یک شخص متحد گردانید، تا انسانها به بزرگی و عظمت الهی دسترسی داشته باشند، در غیر این صورت راه دستیابی برای ما مسدود بود. بزرگی و عظمت آن میانجی، که پدر میان خود و ما قرار داده، نباید به‌هیچ‌وجه ما را بترساند، یا باعث شود ما به خیال خود دیگری را دنبال کنیم[۲]. زیرا که هیچ موجودی، حتی در زمین و یا در آسمان، وجود ندارد که ما را بیشتر از عیسی مسیح دوست داشته باشد[۳]؛ «او که هم ذات با خدا بود، از برابری با خدا به نفع خود بهره نجست، بلکه خود را خالی کرد و ذات خدمتگزار پذیرفته، به شباهت آدمیان در آمد.»[۴] اگر ما بخواهیم میانجی دیگری را بجوییم که نیک خواه ما باشد، چه کسی را می‌توانستیم پیدا کنیم که بیش از او، محبتمان کند؟ اوست که زندگی خود را حتی زمانی که ما دشمنانش بودیم[۵]، برای ما فدا کرد. اگر در پی کسی باشیم که قادر و شکوهمند است، چه کسی بیش از او از هر دو برخوردار است؟ همان که درباره‌اش گفته شده: «در دست راست خدای پدر نشسته است»، و «همه قدرت در آسمان و زمین را دارد»[۶]؟ دعای چه کسی زودتر از دعای پسر محبوب خدا شنیده می‌شود؟ بنابراین از ضعف ایمان این رسم پدید آمد؛ رسمی که به جای احترام گذاشتن به مقدسان، آنان را بی حرمت می‌سازد. اعمالی به جا آمد که آنها هیچ گاه انجام ندادند یا مطالبه نکردند. اما برعکس، بنا بر وظیفه شان پیوسته آن را رد کرده اند. این را با توجه به نوشته هایشان در می‌یابیم[۷]. ما نباید بی لیاقتی خود را دستاویز قرار دهیم؛ زیرا مقصود این نیست که باتکیه بر استحقاق خود، به خداوند دعا کنیم، بلکه اتکای ما باید به برتری و شایستگی خداوند عیسی مسیح باشد[۸]، همانی که عدالتش از طریق ایمان به ما تعلق می‌یابد. رسول، برای پاک کردن این ترس احمقانه یا این بی اعتمادی چنین می‌فرماید: «از همین رو، لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود تا بتواند در مقام کاهن اعظمی رحیم و امین، در خدمت خدا باشد و برای گناهان قوم کفاره دهد. چون او خود هنگامی که آزموده شد، رنج کشید، قادر است آنان را که آزموده می‌شوند، یاری رساند»[۹]. برای دلگرمی ما چنین ادامه می‌دهد: «پس چون کاهن اعظم والامقام داریم که از آسمانها در گذشته است، یعنی عیسی پسر خدا، بیایید اعتراف خود را استوار نگاه داریم. زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی است، که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند. پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد.»[۱۰] همین رسول می‌گوید:«پس ای برادران، از آنجا که به خون عیسی می‌توانیم آزادانه به مکان مقدس داخل شویم» «بیایید با خلوص قلبی و اطمینان کامل ایمان به حضور خدا نزدیک شویم، ...[۱۱]». «مسیح کهانتی تغییرناپذیر دارد؛ پس قادر است کسانی را که به‌واسطهٔ او نزد خدا می‌آیند، به‌تمامی نجات بخشد، زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند[۱۲]» به چه چیزی بیش از این نیاز است؟ از آن جا که خود مسیح می‌گوید:«من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی‌آید»[۱۳]. به چه علتی ما باید به دنبال حامی دیگری باشیم[۱۴]، زمانی که خداوند با رضایت پسر خودش را به عنوان حامی به ما داده است[۱۵]؟ بیایید او را رها نکنیم تا دیگری را برگزینیم؛ یا بهتر بگوییم، در پی دیگری بگردیم که هرگز نخواهیم یافت. زیرا خدا هنگامی که پسرش را به ما بخشید، به‌خوبی می‌دانست که گناهکاریم.

از این رو ما با توجه به فرمان عیسی و همان‌گونه که در دعای خداوند آموخته‌ایم[۱۶]، از طریق او که یگانه میانجی ماست، به پدر آسمانی دعا می‌کنیم؛ و اطمینان خواهیم داشت که هر آنچه که از پدر و در نام او در خواست کنیم، برایمان فراهم خواهد شد[۱۷].

۱ - اول تیموتائوس ۲: ۵؛ اول یوحنا ۲: ۱؛ رومیان ۸: ۳۳
۲ - هوشع ۱۳: ۹؛ ارمیا ۲: ۱۳، ۳۳
۳ - یوحنا ۱۰: ۱۱؛ اول یوحنا ۴: ۱۰؛ رومیان ۵: ۸؛ افسسیان ۳: ۱۹؛ یوحنا ۱۵: ۱۳
۴ - فیلیپیان ۲: ۷
۵ - رومیان ۵: ۸
۶ - مرقس ۱۶: ۱۹؛ کولسیان ۳: ۱؛ رومیان ۸: ۳۳؛ متی ۱۱: ۲۷؛ ۲۸: ۱۸
۷ - اعمال رسولان ۱۰: ۲۶؛ ۱۴: ۱۵
۸ - دانیال ۹: ۱۷-۱۸؛ یوحنا ۱۶: ۲۳؛ افسسیان ۳: ۱۲؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲؛ اول قرنتیان ۱: ۳۱؛ افسسیان ۲: ۱۸
۹ - عبرانیان ۲: ۱۷،۱۸
۱۰ - عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶
۱۱ - عبرانیان ۱۰: ۱۹، ۲۲
۱۲ - عبرانیان ۷: ۲۴، ۲۵
۱۳ - یوحنا ۱۴: ۶
۱۴ - مزامیر ۴۴: ۲۱
۱۵ - اول تیموتائوس ۲: ۵؛ اول یوحنا ۲: ۱؛ رومیان ۸: ۳۳
۱۶ - لوقا ۱۱: ۲
۱۷ - یوحنا ۴: ۱۷؛ ۱۶: ۲۳؛ ۱۴: ۱۳

مقاله ۲۷: کلیسای جامع مسیحیان

ما به یک کلیسای جامع، یعنی همگانی، ایمان داریم و اقرار می‌کنیم[۱]؛ جماعتی مقدس از ایمانداران حقیقی مسیحی که همگی نجات خود را در عیسی مسیح انتظار دارند، با خون او شسته شده و به‌واسطهٔ روح‌القدس تقدیس و مهر شده‌اند.

این کلیسا از آغاز جهان بوده و تا پایان آن خواهد بود[۲]؛ بدیهی است که عیسی مسیح پادشاه جاودان آن است و این بدون مردمانش امکان پذیر نیست[۳].خدا از این کلیسای مقدس در برابر خشم و دشمنی جهان، حفاظت می‌کند[۴]. با این که گاهی کلیسا (برای مدتی) کوچک به نظر می‌رسد و در نظر مردم چنان می‌نماید که گویی از بین رفته است[۵]. همانگونه که در دوران پادشاهی خطرناک آخاب چنین بود. بااین‌حال، خداوند هفت هزار تن را برای خود نگاه داشت که در برابر بَعَل زانو نزده بودند[۶]. این کلیسای مقدس محدود، بسته و یا مختص به جا و اشخاص خاصی نیست. در واقع در همه جای دنیا پخش شده است؛ اما با این حال در دل و اراده به هم پیوسته و متحد است[۷] و به قدرت ایمان، در یک روح یگانگی دارد[۸].

۱ - اشعیا ۲: ۲؛ مزامیر ۴۶: ۵؛ ۱۰۲: ۱۴؛ ارمیا ۳۱: ۳۶

۲ - متی ۲۸: ۲۰؛ دوم سموئیل ۷: ۱۶

۳ - لوقا ۱: ۳۲-۳۳؛ مزامیر ۸۹: ۳۷-۳۸؛ ۱۱۰: ۲-۴

۴ - متی ۱۶: ۱۸؛ یوحنا ۱۶: ۳۳؛ پیدایش ۲۲: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۹

۵ - لوقا ۱۲: ۳۲؛ اشعیا ۱: ۹؛ مکاشفه ۱۲: ۶، ۱۴؛ لوقا ۱۷: ۲۱؛ متی ۱۶: ۱۸

۶ - رومیان ۱۲: ۴؛ ۱۱: ۲، ۴؛ اول پادشاهان ۱۹: ۱۸؛ اشعیا ۱: ۹؛ رومیان ۹: ۲۹

۷ - اعمال رسولان ۴: ۳۲

۸ - افسسیان ۴: ۳-۴

مقاله ۲۸: همه موظفند به کلیسای راستین ملحق شوند

ما باور داریم که این جماعت مقدس، مجمع نجات یافتگان است و بیرون از آن نجاتی نیست[۱]. بنابراین هرکس در هر مقام یا شرایطی که باشد، نباید خویشتن را از کلیسا جدا کند[۲] و خارج از آن زندگی کند؛ و در واقع همه موظفند برای حفظ وحدت کلیسا، به آن ملحق شده و حضور داشته باشند[۳]. آنها باید مطیع تعلیم و تأدیب کلیسا باشند. سر خود را زیر یوغ عیسی مسیح خم کنند[۴]؛ متقابلاً به عنوان اعضای یک بدن[۵]، با توجه به استعداد هایی که خداوند به آنها عطا کرده است، برای بنای روحانیِ هم‌ایمانان خدمت کنند. و برای این که این امر به شایستگی انجام شود، وظیفه ایمانداران با توجه به کلام خداوند، این است که خویشتن را از آنهایی که به کلیسا تعلق ندارند جدا کنند[۶]، و به جمع کلیسا هر کجا که خداوند مقرر کرده است[۷]، ملحق شوند. حتی اگر فرمانروایان و شاهزادگان بر ضد این کار حکم کنند؛ بله، حتی اگر به مرگ و یا هر گونه مجازات جسمانی دیگر محکوم شوند[۸]. از این رو آنهایی که خودشان را از آن جدا می‌کنند و یا ملحق نمی‌شوند در واقع مخالف فرمان خداوند عمل می‌کنند.

۱ - اول پطرس ۳: ۲۰؛ یوئیل ۲: ۳۲

۲ - اعمال رسولان ۲: ۴۰؛ اشعیا ۵۲: ۱۱

۳ - مزامیر ۲۲: ۲۳؛ افسسیان ۴: ۳، ۱۲؛ عبرانیان ۲: ۱۲

۴ - مزامیر ۲: ۱۰-۱۲؛ متی ۱۱: ۲۹

۵ - افسسیان ۴: ۱۲، ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۲، ...

۶ - اعمال رسولان ۲: ۴۰؛ اشعیا ۵۲: ۱۱؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۷؛ مکاشفه ۱۸: ۴

۷ - متی ۱۲: ۳۰؛ ۲۴: ۲۸؛ اشعیا ۴۹: ۲۲؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴

۸ - دانیال ۳: ۱۷-۱۸؛ ۶: ۸-۱۰؛ مکاشفه ۱۴: ۱۴؛ اعمال رسولان ۴: ۱۷، ۱۹؛ ۱۷: ۷؛ ۱۸: ۱۳

مقاله ۲۹: نشانه کلیسای راستین و تفاوت آن از دروغین

ما باور داریم که باید با دقت و احتیاط، با توجه به کلام خدا، کلیسای راستین را تشخیص دهیم. زیرا فرقه‌های بسیاری در جهان نام کلیسا را به خود اختصاص داده اند. در کلیسا ریاکارانی حضور دارند که با نیکوکاران آمیخته‌اند و اگرچه ظاهراً در کلیسایند، از کلیسا نیستند[۱]؛ اما مقصود ما در اینجا این افراد نیست؛ بلکه می گوییم که بدن و مشارکت کلیسای حقیقی، باید از تمام فرقه‌های دیگر که خود را کلیسا معرفی می‌کنند تشخیص داده و جدا شود. نشانه های شناخت کلیسای حقیقی اینها هستند:

الف) تعلیم خالص انجیل وعظ شود[۲]؛

ب) کلیسا آیین‌های مقدس را حقیقتا همان گونه که عیسی مسیح آنها را برقرار کرد، حفظ کند و انجام دهد[۳]؛

پ) تأدیب کلیسایی برای برخورد با گناه به کار گرفته شود[۴]؛

همه چیز باید خالصانه با توجه به کلام خداوند مهیا شود و هر چیزی که مخالف آن است رد شود[۵]. عیسی مسیح باید به عنوان یگانه سر کلیسا شناخته شود[۶]. مطمئنا کلیسای حقیقی شناخته می‌شود و هیچ‌کس حق ندارد خود را از آن جدا کند. اعضای کلیسا را می‌توان با مشخصه مسیحی بودن، از ایماندار بودنشان، شناخت[۷]. زمانی که آنها عیسی مسیح، تنها نجات دهنده[۸] را دریافت می‌کنند، از گناه کردن

دوری می‌کنند. پرهیزکاری را برمی گزینند[۹]. خدای حقیقی و هم نوعان خود را دوست خواهند داشت، به چپ و یا راست منحرف نمی‌شوند. طبیعت نفسانی را همراه با اعمال آن مصلوب می‌کنند[۱۰]. اما به این معنا نیست که در ایشان ضعف‌های بزرگ باقی نمانده است، آنها هر روزه به واسطه روح‌القدس، با این ضعف ها می‌جنگند[۱۱]. پیوسته در خون، مرگ، رنج ها و اطاعت خداوندمان عیسی مسیح پناه می‌گیرند، ایمانداران در او، به‌واسطهٔ ایمان، از آمرزش گناهان برخوردار می‌شوند[۱۲].

کلیسای دروغین برای خود و مقرراتش اقتداری بیش از کلام خدا قائل می‌شود[۱۳] و گردن زیر یوغ مسیح نمی‌نهد[۱۴]. آیین‌های مقدس را آن‌گونه که مسیح در کلام خود مقرر کرده است اجرا نمی‌کند، بلکه هرگونه که صلاح بداند به آنها می‌افزاید یا از آنها می‌کاهد. بیش از مسیح بر انسان‌ها تکیه می‌کند و کسانی را آزار می‌دهد که مطابق کلام خدا در تقدس زندگی می‌کنند[۱۵] و او را به سبب خطاها، طمع و بت‌پرستی‌اش توبیخ می‌کنند[۱۶]. این دو کلیسا خیلی ساده شناسایی شده و از هم متمایز هستند.

۱ - متی ۱۳: ۲۲؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۸-۲۰؛ رومیان ۹: ۶

۲ - یوحنا ۱۰: ۲۷؛ افسسیان ۲: ۲۰؛ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱-۱۲؛ کولسیان ۱: ۲۳؛ یوحنا ۸: ۴۷

۳ - متی ۲۸: ۱۹؛ لوقا ۲۲: ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳

۴ - متی ۱۸: ۱۵-۱۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۴-۱۵

۵ - متی ۲۸: ۲؛ غلاطیان ۱: ۶-۸

۶ - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ یوحنا ۱۰: ۴-۵، ۱۴

۷ - افسسیان ۱: ۱۳؛ یوحنا ۱۷: ۲۰

۸ - اول یوحنا ۴: ۲

۹ - اول یوحنا ۳: ۸-۱۰

۱۰ - رومیان ۶: ۲؛ غلاطیان ۵: ۲۴

۱۱ - رومیان ۷: ۶، ۱۷؛ غلاطیان ۵: ۱۷

۱۲ - کولسیان ۱: ۱۴

۱۳ - کولسیان ۲: ۱۸-۱۹

۱۴ - مزامیر ۲: ۳

۱۵ - مکاشفه ۱۲: ۴؛ یوحنا ۱۶: ۲

۱۶ - مکاشفه ۱۷: ۳،۴، ۶

مقاله ۳۰ :اداره کردن و وظایف در کلیسا

ما باور داریم که کلیسا باید با قوانین روحانی که خداوندمان در کتاب مقدس به ما آموخته است اداره شود- به عبارتی دیگر، باید خادمان یا شبانانی باشند تا کلام خدا را وعظ کنند و آیین‌های مقدس را به جا آورند[۱]؛ و همچنین مشایخ و شماسان همراه شبانان، شورای کلیسا را تشکیل دهند[۲]؛ که همه این ها به منظور نگاه داشتن دین حقیقی و گسترش تعلیم راستین در همه‌جا است. همچنین خطاکاران باید به شیوه روحانی تأدیب و مهار شوند[۳]. با توجه به احتیاجات شخص نیازمندان یاری رسانده و کسانی که اندوهگین تسلی یابند. به واسطه این تدابیر، همه امور در کلیسا با نظم نیکو و شایستگی پیش خواهد رفت، هنگامی که مردان امین مطابق با قاعده‌ای که پولس رسول در رسالهٔ خود به تیموتائوس مقرر کرده است، برگزیده شوند[۴].

۱ - افسسیان ۴: ۱۱؛ اول قرنتیان ۴: ۱-۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۰؛ یوحنا ۲۰: ۲۳؛ اعمال رسولان ۲۶: ۱۷-۱۸؛ لوقا ۱۰: ۱۶

۲ - اعمال رسولان ۶: ۳؛ ۱۴: ۲۳

۳ - متی ۱۸: ۱۷؛ اول قرنتیان ۵: ۴-۵

۴ - اول تیموتائوس ۳: ۱؛ تیتوس ۱: ۵

مقاله ۳۱: شبانان، مشایخ کلیسا و شماسان

ما باور داریم که خادمان کلام خدا[۱]، مشایخ و شماسان[۲]، برای وظایفشان باید به واسطه گزینش قانونی کلیسا، با دعا در نام خداوند، به ترتیبی که کلام خدا تعلیم می‌دهد، انتخاب شوند. از این رو هرکس باید مراقب باشد تا خود را از طرق ناشایست به این خدمت تحمیل نکند. هرکس موظف است منتظر بماند تا خدا او را به خدمت فراخواند.[۳] تا بدین سان گواهی دعوتشان به خدمت را داشته باشند، و به یقین اطمینان داشته باشند که این دعوت از طرف خداوند است. خادمان کلام خدا، هر کجا که باشند، قدرت و اقتدار برابر دارند. زیرا که همه آنها خادمان مسیح هستند.[۴] او یگانه اسقف همگانی و یگانه سر کلیساست[۵]. علاوه بر این این ترتیب مقدسِ مقرر از سوی خدا نباید نقض یا خوار شمرده شود. ما اظهار داریم که همه باید به خادمان کلام خدا و مشایخ کلیسا به سبب خدمتشان، احترام بگذارند. تا جایی که امکان دارد از شکایت کردن، نزاع و مشاجره[۶] با آنها خودداری کنند.

۱ - اول تیموتائوس ۵: ۲۲

۲ - اعمال رسولان ۶: ۳

۳ - ارمیا ۲۳: ۲۱؛ عبرانیان ۵: ۴؛ اعمال رسولان ۱: ۲۳؛ ۱۳: ۲
۴ - اول قرنتیان ۴: ۱؛ ۳: ۹؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۰؛ اعمال رسولان ۲۶: ۱۶-۱۷
۵ - اول پطرس ۲: ۲۵؛ ۵: ۴؛ اشعیا ۶۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۲۲؛ کولسیان ۱: ۱۸
۶ - اول تسالونیکیان ۵: ۱۲،۱۳؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۷؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷

مقاله ۳۲: اداره و نظم کلیسا

ما باور داریم که برای حفظ نظم و سلامت ساختار کلیسا، برقرار کردن آیین های معین شده توسط مسئولان کلیسا مفید و سودمند است، اما آنها باید بسیار محتاط باشند که از آنچه عیسی مسیح، تنها استاد ما مقرر کرده، منحرف نشوند[۱]. از این رو ما هرگونه ساخته بشری و هر قانونی را که انسان بخواهد وارد عبادت خدا کند، رد می‌کنیم. چنین چیزهایی وجدان انسان را، به هر طریقی، مقید و مجبور می‌سازند[۲]. تنها چیزهایی را می‌پذیریم که به تقویت و حفظ وفاق و اتحاد کمک کند و همه را در اطاعت از خداوند نگاه دارد. به همین منظور، اخراج از مشارکت کلیسا یا تأدیب کلیسایی، با همهٔ شرایط و لوازم آن، مطابق کلام خدا ضروری است[۳].

۱ - کولسیان ۲: ۷-۶
۲ - اول قرنتیان ۷: ۲۳؛ متی ۱۵: ۹؛ اشعیا ۲۹: ۱۳؛ غلاطیان ۵: ۱؛ رومیان ۱۶: ۱۷-۱۸
۳ - متی ۱۸: ۱۷؛ اول قرنتیان ۵: ۵؛ اول تیموتائوس ۱: ۲۰

مقاله ۳۳: آیین

ما باور داریم که خداوند بخشنده، با در نظر گرفتن ضعف و ناتوانی ما، آیین‌های مقدس را برای ما مقرر کرد تا به واسطه آنها وعده های خویش را برای ما مهر کند[۱] و این آیین‌ها نشانه و تضمین کننده نیکویی و فیض خدا نسبت به ما باشند. همچنین او این آیین‌ها را مقرر کرده تا ایمان ما را تغذیه و تقویت کند. او خودش اینها را به کلام انجیل پیوند داده، تا هم آنچه که به وسیله کلامش به ما نشان می‌دهد، و هم کارهایی که در دل های ما انجام می‌دهد، بهتر در برابر حواس ما قرار گیرند. بدین گونه نجاتی را که به ما عطا می‌کند، در ما تأیید و استوار می‌سازد. این آیین‌ها، نشانه‌ها و مهر های قابل رویت هستند که به امری درونی و نادیدنی اشاره دارند؛ خداوند به واسطه همین آیین، با قدرت روح‌القدس در ما عمل می‌کند. این رسوم پوچ و یا برای فریب دادن ما نیستند. زیرا عیسی مسیح حقیقتی است که این نشانه‌ها عرضه می‌کنند و بدون او، این آیین‌ها هیچ ارزش و اثری نداشتند[۲]. علاوه بر این، ما به همان شمار آیین‌هایی بسنده می‌کنیم که خداوندمان مسیح مقرر کرده است: تنها دو آیین، یعنی تعمید و شام مقدس خداوندمان عیسی مسیح[۳].

۱ - رومیان ۴: ۱۱؛ پیدایش ۹: ۱۳؛ ۱۷: ۱۱
۲ - کولسیان ۲: ۱۱، ۱۷؛ اول قرنتیان ۵: ۷
۳ - متی ۲۶: ۳۶؛ ۲۸: ۱۹

مقاله ۳۴: تعمید مقدس

ما باور داریم و اعتراف می‌کنیم که عیسی مسیح، پایان شریعت است[۱]. او با ریختن خون خود، به هر خون‌ریزی دیگری که انسان‌ها برای کفاره و ادای حق عدالت در قبال گناه انجام می‌دادند یا می‌خواستند انجام دهند، پایان داد. او ختنه کردن را که با خون بوده، منسوخ کرد و به جای آن آیین تعمید را قرار داد[۲]؛ از این طریق ما در کلیسای خداوند پذرفته می‌شویم و از همه مردم و دین های غریبه جدا می‌شویم تا تماما به او که نشان و پرچمش را حمل می‌کنیم، تعلق داشته باشیم. این برای ما گواه آن است که او تا ابد خدای بخشنده و پدر ما می‌ماند. به تمام آنهایی که به او تعلق دارند، فرمان داده که با آب پاک، «در نام پدر، پسر، و روح‌القدس»[۳] تعمید بگیرند. بدین‌سان به ما نشان می‌دهد که همان‌گونه که آب، وقتی بر بدن ریخته یا پاشیده می‌شود و بر بدن تعمیدگیرنده دیده می‌شود، آلودگی جسم را می‌شوید، خون مسیح نیز به قدرت روح‌القدس جان را در درون پاک می‌سازد. او جان ما را از گناهان می‌شوید و ما را از فرزندان غضب به فرزندان خداوند تبدیل می‌کند[۴]. این اثر را خود آب تعمید پدید نمی‌آورد، بلکه این تاثیر پاشیده شدن خون گران‌بهای پسر خداست[۵]. او دریای سرخ ماست که باید از آن عبور کنیم تا از ستم فرعون، یعنی ابلیس، فرار کنیم و وارد سرزمین روحانی کنعان شویم.

بنابراین شبانان صرفا بخش قابل رویت آیین را اجرا می‌کنند[۶]، اما آنچه خداوند به واسطه آیین عطا می‌کند، هدایا و فیض غیر قابل رویت، است. او روحمان را از ناراستی، نا پاکی و کثیفی پاک می‌شوید و باز سازی می‌کند[۷]؛ قلبمان را تازه و سرشار از آسودگی می‌کند؛ به ما از نیکی پدرانه خود، اطمینان می‌بخشد؛ او انسان جدید را بر ما می‌پوشاند، و انسان کهنه و اعمالش را از ما بیرون می‌کند[۸]. بنابراین ما باور داریم کسی که به راستی میخواهد زندگی ابدی را دریافت کند باید یک بار، با این تعمید، تعمید بگیرد. بدون این که آن را دوباره تکرار کند[۹]، زیرا که ما نمی‌توانیم دو بار متولد شویم. این تعمید نه تنها در زمان ریخته شدن آب بر ما مفید است، بلکه در طول مراحل زندگی نیز منفعت خود را حفظ می‌کند[۱۰]. ما از خطای آناباپتیست‌ها بر حذر هستیم؛ زیرا آنها به یکبار و تنها تعمیدی که گرفته اند راضی نیستند. آنها همچنین تعمید گرفتن کودکان ایمان داران را محکوم می‌کنند. کودکانی که ما باور داریم باید تعمید بگیرند و با نشان عهد خدا مهر شوند[۱۱]. زیرا در گذشته کودکان طبق همین وعده در اسرائیل ختنه می‌شدند[۱۲] همان وعده‌ای که به فرزندانمان نیز داده شده است. در واقع مسیح خون خود را همان طور که برای پاک کردن افراد بالغ ریخت، برای کودکان ایمانداران نیز ریخت[۱۳]. بنابراین، آنها باید نشان آنچه را مسیح برایشان انجام داده است دریافت کنند. خداوند در شریعت فرمان داده بود که کودکان

اندکی پس از تولد، با تقدیم بره‌ای برای ایشان، در آیینی مقدس سهیم شوند، آیینی که به رنج و مرگ مسیح اشاره داشت. آن بره نشانه‌ای مقدس از عیسی مسیح بود. [۱۴] علاوه بر این، همان گونه که ختنه برای یهودیان بود، تعمید برای کودکان ما است. به همین دلیل پولس رسول تعمید را «ختنهٔ مسیح» می‌خواند[۱۵].

۱ - رومیان ۱۰: ۴
۲ - کولسیان ۲: ۱۱؛ اول پطرس ۳: ۲۱؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲
۳ - متی ۲۸: ۱۹
۴ - اول قرنتیان ۶: ۱۱؛ تیتوس ۳: ۵؛ عبرانیان ۹: ۱۴؛ اول یوحنا ۱: ۷؛ مکاشفه ۱: ۶
۵ - یوحنا ۱۹: ۳۴
۶ - متی ۳: ۱۱؛ اول قرنتیان ۳: ۵، ۷؛ رومیان ۶: ۳
۷ - افسسیان ۵: ۲۶؛ اعمال رسولان ۲۲: ۱۶؛ اول پطرس ۳: ۲۱
۸ - غلاطیان ۳: ۲۷؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ افسسیان ۴: ۲۲-۲۴
۹ - مرقس ۱۶: ۱۶؛ متی ۲۸: ۱۹؛ افسسیان ۴: ۵؛ عبرانیان ۶: ۲
۱۰ - اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ ۸: ۱۶
۱۱ - متی ۱۹: ۱۴؛ اول قرنتیان ۷: ۱۴
۱۲ - پیدایش ۱۷: ۱۱-۱۲
۱۳ - کولسیان ۲: ۱۱-۱۲
۱۴ - یوحنا ۱: ۲۹؛ لاویان ۱۲: ۶
۱۵ - کولسیان ۲: ۱۱

مقاله ۳۵ :شام مقدس (عشای ربانی) خداوندمان عیسی مسیح

ما باور داریم که نجات دهنده ما عیسی مسیح مراسم عشای ربانی را قرار داد[۱] تا به این طریق از کسانی که پیش‌تر به آنان تولد تازه بخشیده و در خانوادهٔ خود پذیرفته , نگهداری کند و آنها را تغذیه نماید. این افراد کلیسای او هستند. کسانی که احیاء می‌شوند، در خویش دو حیات دارند[۲]: نخستین , حیات جسمانی و موقت است که با اولین تولد دریافت می‌کنند؛ و این میان همه انسان ها مشترک است. اما دومین حیات روحانی و آسمانی است و در تولد دوباره به شخص عطا می‌شود[۳]. این تولد از طریق کلام انجیل[۴] و پیوند در بدن مسیح تحقق می‌یابد؛ این حیات برای همگان نیست، بلکه فقط برای برگزیدگان خدا است[۵]. خدا برای پرورش و بقای جسم و زندگی زمینی، نان خوراکی را به ما داده است. این نان در خدمت همین حیات است و همانند خود آن، میان همه انسان ها مشترک است.

اما برای حفظ و تقویت حیات روحانی و آسمانی ایمانداران، خدا نانی زنده فرستاد. نانی که از آسمان نازل شد، به نام عیسی مسیح.[۶] او زندگی روحانی ایمانداران را تغذیه و تقویت می‌کند. ایمانداران از این نان بهشتی می‌خورند، یعنی به واسطه روح‌القدس، مسیح را با ایمان می‌پذیرند و از او بهره مند می‌شوند[۷]. مسیح برای نشان دادن این نان روحانی به ما، نان زمینی و قابل رویت را به عنوان نشان مقدس بدن خود قرار داد[۸]، همچنین شراب را نشان مقدس خون خود قرار داد.

مسیح با این نشانه‌ها به ما گواهی می‌دهد که همان‌قدر که این آیین مقدس را با دست‌های خود می‌گیریم و با دهان خود می‌خوریم و می‌نوشیم و حیات جسمانی ما از آن تغذیه می‌شود، به همان یقین، بدن حقیقی و خون مسیح، یگانه نجات‌دهندهٔ خود، را به‌واسطهٔ ایمان در جانمان دریافت می‌کنیم تا حیات روحانی ما تقویت شود. ایمان همچون دست و دهان جان ماست[۹].

بی تردید، عیسی مسیح این آیین مقدس را بیهوده بر قرار نکرده است. مسیح هرآنچه را با این نشانه‌های مقدس به ما نشان می‌دهد، در ما نیز به انجام می‌رساند.

چگونگی آن از فهم ما فراتر است. ما آن را به طور کامل درک نمی‌کنیم، زیرا کار روح‌القدس پنهان و فراتر از درک ما است. اگر بگوییم آنچه می‌خوریم و می‌نوشیم بدن حقیقی و طبیعی و خون حقیقی عیسی مسیح است[۱۰]، خطا نمی‌کنیم. البته با دهان نه، بلکه به واسطه روح‌القدس و از طریق ایمان، از بدن و خون مسیح برخوردار می‌شویم.

با اینکه عیسی مسیح همواره در دست راست پدر در بهشت نشسته است[۱۱]، اما همچنان ما را از طریق ایمان در خویش سهیم می‌سازد.

این یک ضیافت است، که مسیح بر سر سفره‌ای روحانی، خودش و برکاتش را با ما به اشتراک می‌گذارد.

در آنجا هم از خود مسیح، و هم از ثمرات رنج ها و مرگ او بهره مند می‌شویم. [۱۲] با خوردن بدن او جان های بی نوای ما تغذیه، تقویت و تسلی می‌یابد. و با نوشیدن خون او جان های ما حیات تازه می‌گیرد.[۱۳]

اگر چه آیین مقدس با حقیقتی که بر آن دلالت می‌کند پیوند دارد، اما همهٔ انسان‌ها هم نشانه و هم حقیقتِ آن را دریافت نمی‌کنند. شخص بی ایمان آیین را دریافت می‌کند اما آن را برای محکومیت خود دریافت می‌کند[۱۴]. او هیچ گاه حقیقت آن را دریافت نمی‌کند. همانند یهودا و شمعون ساحر که هر دو آیین را دریافت کردند، اما مسیح را که آیین بر او دلالت می‌کنددریافت نکردند. زیرا فقط کسانی که ایمان دارند، در عیسی مسیح شریک می‌شوند.

سر انجام، ما این آیین مقدس را در اجتماع قوم خدا، با احترام و تواضع دریافت می‌کنیم، [15] با شکرگزاری، پیوسته مرگ مقدس نجات دهنده مان عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم و از همین رو، به ایمان و دین مسیحی اقرار می‌کنیم.

بنابراین، هرکس باید اول خویشتن را به درستی بیازماید و سپس بر سر این سفره حاضر شود، مبادا با خوردن این نان و نوشیدن از این جام، برای خود محکومیت بخورد و بنوشد.[16]

به طور خلاصه، استفاده از این آیین مقدس ما را به محبتی پر شور نسبت به خدا و همسایه مان بر می‌انگیزد. از این رو، ما همه ی آمیزه ها و ابداعات محکوم‌کردنی، را که انسان به آیین‌های مقدس افزوده و با آنها آمیخته است، رد می‌کنیم؛ زیرا این کارها بی احترامی است. همچنین باید به شیوه و طریقی که مسیح و حواریون به ما آموخته اند وفادار باشیم و درباره آیین همان گونه سخن بگوییم که آنها می‌گفتند.

۱ - متی ۲۶: ۲۶؛ مرقس ۱۴: ۲۲؛ لوقا ۲۲: ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۵

۲ - یوحنا ۳: ۶

۳ - یوحنا ۳: ۵

۴ - یوحنا ۵: ۲۳، ۲۵

۵ - اول یوحنا ۵: ۱۲؛ یوحنا ۱۰: ۲۸

۶ - یوحنا ۶: ۳۲-۳۳، ۵۱

۷ - یوحنا ۶: ۶۳

۸ - مرقس ۶: ۲۶

۹ - اول قرنتیان ۱۰: ۱۶-۱۷؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ یوحنا ۶: ۳۵

۱۰ - یوحنا ۶: ۵۵-۵۶؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۶

۱۱ - اعمال رسولان ۳: ۲۱؛ مرقس ۱۶: ۱۹؛ متی ۲۶: ۱۱

۱۲ - متی ۲۶: ۲۶، ...؛ لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲-۴

۱۳ - اشعیا ۵۵: ۲؛ رومیان ۸: ۲۳-۲۲

۱۴ - اول قرنتیان ۱۱: ۲۹؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴-۱۵؛ اول قرنتیان ۲: ۱۴

۱۵ - اعمال رسولان ۲: ۴۲؛ ۲۰: ۷

۱۶ - اول قرنتیان ۱۱: ۲۷-۲۸

مقاله ۳۶: حاکمان

ما باور داریم که خدا به سبب فساد نوع بشر، پادشاهان، فرمانروایان و صاحب منصبان حکومتی را مقرر کرده است[1]. اراده خداوند چنین است که دنیا با قوانین و نظامات معین اداره شود، تا سرکشی انسان مهار شود و همه امور در میان ایشان با نظم و شایستگی پیش برود.

برای این منظور، او قدرت شمشیر را به صاحب منصبان حکومتی سپرده است تا بدکاران را مجازات کنند و نیکوکاران را ارج نهند.

وظیفهٔ حاکمان به برقرار کردن رفاه عموم محدود نمی‌شود، بلکه باید از خدمت مقدس کلیسا حمایت کنند و بدین سان هر گونه بت پرستی و پرستش باطل را برطرف سازند و از گسترش آن جلوگیری کنند[2]؛ تا حکومت ضدمسیح نابود شود و پادشاهی مسیح پیشرفت کند. طبق فرمان خداوند موعظه کلام انجیل در همه جا باید پشتیبانی شود، تا همگان او را حرمت نهند و بستایند. بنابراین، وظیفه مسلّم هرکس، صرف نظر از جایگاه، مرتبه یا موقعیت او این است که از صاحب منصبان حکومتی اطاعت کند[3]؛ مالیات بپردازد[4]، به آنان احترام بگذارد؛ و در همه اموری که با کلام خدا مغایرت ندارد، از آنان پیروی کند[5]. باید برای دولتمردان دعا کنیم تا خدا آنان را در همهٔ امورشان اداره و هدایت کند، تا ما بتوانیم در کمال دینداری و وقار، زندگی آرام و صلح آمیز داشته باشیم[6].

از همین رو، ما خطای آناباپتیست‌ها و دیگر آشوب‌طلبان را مردود می‌شماریم. همهٔ کسانی را که مقامات عالی و صاحب‌منصبان حکومتی را نمی‌پذیرند و در پی برانداختن عدالت‌اند، محکوم می‌کنیم[7]. آنان اشتراک اموال را رواج می‌دهند و نظم و شایستگی‌ای را که خدا در میان انسان‌ها برقرار ساخته است، برهم می‌زنند[8].

۱ - خروج ۱۸: ۲۰، ...؛ رومیان ۱۳: ۱؛ امثال سلیمان ۸: ۱۵؛ ارمیا ۲۱: ۱۲؛ ۲۲: ۲-۳؛ مزامیر ۸۲: ۱، ۶؛ ۱۰۱: ۲؛ تثنیه ۱: ۱۵-۱۶؛ ۱۶: ۱۸؛ ۱۷: ۱۵؛ دانیال ۲: ۲۱، ۳۷؛ ۵: ۱۸

۲ - اشعیا ۴۹: ۲۳، ۲۵؛ اول پادشاهان ۱۵: ۱۲؛ دوم پادشاهان ۲۳: ۲-۴

۳ - تیتوس ۳: ۱؛ رومیان ۱۳: ۱

۴ - مرقس ۱۲: ۱۷؛ متی ۱۷: ۲۴

۵ - اعمال رسولان ۴: ۱۷-۱۹؛ ۵: ۲۹؛ هوشع ۵: ۱۱

۶ - ارمیا ۲۹: ۷؛ اول تیموتائوس ۲: ۱-۲

۷ - دوم پطرس ۲: ۱۰
۸ - یهودا ۸، ۱۰

مقاله ۳۷: آخرین داوری

و در نهایت، ما با توجه به کلام خداوند باور داریم که، در زمان موعود، (که در واقع هیچ کدام از مخلوقات نمی‌دانند چه زمانیست)[۱] و پس از کامل شدن شمار برگزیدگان، خداوندمان عیسی مسیح از آسمان، با جسم و به‌گونه‌ای دیدنی خواهد آمد، همان‌گونه که صعود کرده بود[۲]، با جلال و عظمت بسیار، خود را داور زندگان و مردگان آشکار خواهد ساخت[۳] و این دنیای کهنه را با شعله های آتش خواهد سوزاند تا پاک شود[۴]. سپس، تمام کسانی که از ابتدای خلقت تا به انتها زندگی کرده اند، زن و مرد و بچه، همه[۵] با شنیدن صدای رئیس فرشتگان و شیپور خداوند[۶] شخصا در برابر این داوری عظیم خدا حاضر خواهند شد. همهٔ مردگان از خاک برخواهند خاست و جان‌هایشان دوباره با همان بدن‌هایی که پیش‌تر در آنها زندگی می‌کردند، پیوند خواهد یافت[۷]. اما آنان که در آن زمان زنده‌اند، همچون دیگران نخواهند مرد، بلکه در یک چشم بر هم زدن دگرگون شده، و بدن فرسایش پذیرشان از هر گونه زوال مصون خواهد گشت.[۸] کتاب ها (یا همان وجدان) باز خواهند شد و مردگان با در نظر گرفتن خیر ویا شری که در این دنیا انجام داده اند، قضاوت خواهند شد[۹]. تنها به اینجا ختم نمی‌شود، همهٔ انسان‌ها برای هر سخن بیهوده‌ای که گفته‌اند و دنیا آن را فقط سرگرمی و شوخی می‌شمارد، حساب پس خواهند داد[۱۰]؛ و همچنین، تمام رازها و ریاکاری‌های انسان پیش روی همه فاش خواهد شد.[۱۱] بنابراین، این شکل داوری برای شریران و بی‌خدایان هولناک و ترسناک خواهد بود[۱۲] اما از سوی دیگر، برای پرهیزکاران و برگزیدگان بسیار مطلوب و تسلی‌بخش است؛ زیرا که رهاییشان کامل می‌شود، و ثمرهٔ زحمت‌ها و رنج‌هایی را که متحمل شده‌اند، دریافت خواهند کرد[۱۳]. بی گناهی آنان بر همگان آشکار خواهد شد و خود، انتقام هولناکی را که خداوند از شریران می‌گیرد، به چشم خواهند دید[۱۴]. همان کسانی که در این جهان با نهایت بی‌رحمی بر آنان ستم کردند، آزارشان دادند و شکنجه‌شان کردند، [۱۵] به گواهی وجدان خویش محکوم خواهند شد، [۱۶] و چون دیگر نخواهند مرد در آتشی جاودانه عذاب خواهند کشید؛ [۱۷] همان آتشی که برای شیطان و فرشتگان او آماده شده است.[۱۸] بالعکس، مؤمنان و برگزیدگان با جلال و افتخار تاج گذاری خواهند شد؛ [۱۹] پسر خدا، در حضور خدای پدر و فرشتگان برگزیده اش، نام آنها را خواهد خواند و ایشان را از آن خود خواهد دانست؛ [۲۰] تمام اشک ها از چشمانشان پاک خواهد شد؛ [۲۱] آنگاه آشکار خواهد شد که دعوی یا آرمان آنان، که اکنون بسیاری از قاضیان و حاکمان آن را خلاف دینداری می‌شمارند و محکوم می‌کنند، همان دعوی پسر خداست[۲۲]. خدا از روی فیض، به آنان پاداش خواهد داد و چنان جلالی به آنها خواهد بخشید که هرگز در تصور هیچ انسانی نگنجیده است.[۲۳] به همین خاطر ما با اشتیاق فراوان چشم‌به‌راه آن روز بزرگ هستیم تا از وعده‌های خدا در خداوندمان عیسی مسیح به‌تمامی بهره‌مند شویم[۲۴]. آمین.

پس بیا، ای خداوند عیسی (مکاشفه ۲۰ :۲۲)

۱ - متی ۲۴: ۳۶؛ ۲۵: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱-۲؛ مکاشفه ۶: ۱۱؛ اعمال رسولان ۱: ۷؛ دوم پطرس ۳: ۱۰
۲ - اعمال رسولان ۱: ۱۱
۳ - دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۸؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۱؛ متی ۲۴: ۳۰؛ ۲۵: ۳۱؛ یهودا ۱۵؛ اول پطرس ۴: ۵؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱
۴ - دوم پطرس ۳: ۷، ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۸
۵ - مکاشفه ۲۰: ۱۲-۱۳؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۱؛ عبرانیان ۶: ۲؛ ۹: ۲۷؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰؛ رومیان ۱۴: ۱۰
۶ - اول قرنتیان ۱۵: ۴۲؛ مکاشفه ۲۰: ۱۲-۱۳؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶
۷ - یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ ۶: ۵۴؛ دانیال ۱۲: ۲؛ ایوب ۱۹: ۲۶-۲۷
۸ - اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۳
۹ - مکاشفه ۲۰: ۱۲-۱۳؛ اول قرنتیان ۴: ۵؛ رومیان ۱۴: ۱۱-۱۲؛ ایوب ۳۴: ۱۱؛ یوحنا ۵: ۲۴؛ دانیال ۱۲: ۲؛ مزامیر ۶۲: ۱۳؛ متی ۱۱: ۲۲؛ ۲۳: ۳۳؛ یوحنا ۵: ۲۹؛ رومیان ۲: ۵-۶؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۶:۲؛ ۹: ۲۷
۱۰ - رومیان ۲: ۵؛ یهودا ۱۵؛ متی ۱۲: ۳۶
۱۱ - اول قرنتیان ۴: ۵؛ رومیان ۲: ۱-۲، ۱۶؛ متی ۷: ۱-۲
۱۲ - مکاشفه ۶: ۱۵-۱۶؛ عبرانیان ۱۰: ۲۷
۱۳ - لوقا ۲۱: ۲۸؛ اول یوحنا ۳: ۲؛ ۴: ۱۷؛ مکاشفه ۱۴: ۷؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۵-۷؛ لوقا ۱۴: ۱۴
۱۴ - دانیال ۷: ۲۶
۱۵ - متی ۲۵: ۴۶؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶-۸؛ ملاکی ۴: ۳
۱۶ - رومیان ۲: ۱۵
۱۷ - مکاشفه ۲۱: ۸؛ دوم پطرس ۲: ۹
۱۸ - ملاکی ۴: ۱؛ متی ۲۵: ۴۱
۱۹ - متی ۲۵: ۳۴؛ ۱۳: ۴۳
۲۰ - متی ۱۰: ۳۲
۲۱ - اشعیا ۲۵: ۸؛ مکاشفه ۲۱: ۴

٢٢ - اشعيا ٦٦: ٥
٢٣ - اشعيا ٦٤: ٤؛ اول قرنتيان ٢: ٩
٢٤ - عبرانيان ١٠: ٣٦-٣٨

Belgic Confession
In Farsi language

International Evangelical Church

Larnaca, Cyprus